

## بررسی ظرفیت‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزنشینان استان

### کردستان به عنوان برنامه‌های جایگزین کولبری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

حسین دانش مهر<sup>۱</sup>، جهانگیر محمودی<sup>۲</sup>

چکیده

هدف پژوهش حاضر این است که به میانجی آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزنشینان استان کردستان به بررسی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود و بالقوه به‌عنوان برنامه‌های توسعه‌ای و تولیدی جایگزین‌هایی پدیده کولبری بپردازد. بر همین اساس، به لحاظ نظری این پژوهش متکی به تئوری‌های حوزه توسعه اقتصادی و اجتماعی، توسعه پایدار، توسعه مشارکتی و محلی و پیوندهای آن با اقتصاد مرزنشینی است. از منظر روش‌شناختی نیز دارای یک روش‌شناسی ترکیبی است که انواع مختلفی از روش‌های تحقیق اعم از تحلیل محتوای کیفی، نظریه زمینه‌ای، تحلیل سوات و... را دربرمی‌گیرد. به همین جهت، ابتدا به تحلیل محتوای کیفی برنامه‌ها و اسناد توسعه‌ای پرداخته می‌شود؛ سپس با تحلیل تماتیک داده‌های کیفی استخراج‌شده از مصاحبه‌های میدانی به بررسی تجربه زیسته، درک و تفسیر جامعه مورد مطالعه نسبت به برنامه‌های موجود مدیریت کولبری و ساماندهی معیشت مرزنشینان پرداخته می‌شود تا بتوان به یک مدل پارادایمیک از وضعیت موجود پدیده کولبری دست یافت. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که برنامه‌های توسعه‌ای و مدیریتی کولبری به‌ویژه در پیوند با مسئله مرزنشینان و کولبری بیشتر دربرگیرنده اقتضانات امنیتی توسعه و مرز بوده‌اند و تمایلات اقتصادی-اجتماعی برنامه‌ها در سطح عملکردی به حاشیه رانده شده‌اند. علاوه بر این، تجربیات زیسته مرزنشینان نیز نشان می‌دهد که تداوم کولبری سوای پیامدهای مختلف اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آن، منجر به بازتولید توسعه‌نیافتگی مناطق مرزنشینان استان کردستان گردیده است و برنامه‌های تحت عنوان ساماندهی معیشت مرزنشینان توانسته است تغییری در رویه‌های معیشتی، توسعه و اشتغال‌زایی این مناطق ایجاد نماید.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، کولبری، مناطق مرزنشینان، استان کردستان، امنیت پایدار، جایگزین‌های

توسعه

۱. دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان، hdaneshmehr@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان؛ نویسنده مسئول، jmahmoudi@gmail.com

## مقدمه

امروزه یکی از مباحث اساسی در حوزه توسعه، بررسی اثرات سیاست‌های مطرح‌شده توسط دولت‌های گوناگون در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی بر میزان توسعه‌یافتگی مناطق مختلف کشور می‌باشد. افراد ساکن در مناطق مرزی، در دوره‌های تاریخی، عمدتاً جماعت‌هایی بوده‌اند که از یک‌سو، آزاد در قلمرویی معین به شمار می‌آمدند و در دفاع از سرزمین اصلی آماده خطرپذیری و مقابله با بیگانگان بوده‌اند و تفاوتی اساسی با افراد مرکز نشین نداشته‌اند؛ اما از دیگر سو، پیوسته در معرض ظن و حاشیه راندگی قرار داشته‌اند. به این معنی، در بسیاری موارد، مرز نشینان با جنبه‌های منفی ارزیابی شده‌اند و معمولاً جنبه‌ها و ارزش‌های فرهنگی و یا منابع و برخورداری‌های اقتصادی و یا حتی میراث مشترک تاریخی آن‌ها با ساکنان درون مرزها و قسمت‌های داخلی نادیده گرفته شده است (گل وردی، ۱۳۹۰: ۱۵).

امنیت و توسعه در مناطق مرزی با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با یکدیگر هستند. به عبارت دیگر، توسعه و امنیت، تأثیرات متقابلی در مناطق مرزی بر هم دارند. به گونه‌ای که هر اقدامی در فرایند تحقق توسعه، تأثیرات مستقیمی بر فرایند تحقق امنیت می‌گذارد و بالعکس. به این ترتیب مناطق دارای شاخص‌های بالای توسعه از ضرایب امنیتی بالاتری نسبت به مناطق توسعه نیافته‌تر برخوردارند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۹۶). بنابراین، توسعه اقتصادی مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرز نشینان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی، با حمایت و سرمایه‌گذاری دولت‌ها بر کارکرد امنیتی مرز تأثیر مثبت دارد. از سویی دیگر، افزایش فعالیت‌های اقتصادی سالم و سرمایه‌گذاری دولت‌ها در مناطق مرزی، مشروط به عدم اختلاف فاحش اقتصادی در دو سوی مرز، نیز می‌تواند بر کارکرد ارتباطی مرز تأثیر مثبت داشته باشد (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۹۲). از این رو یکی از این برنامه‌ها، پویا کردن اقتصاد شهرهای مرزی است که به عنوان یک شاخص اصلی در برقراری ارتباط بین کشورهای همسایه و نیز بهبود امرار معاش مردم مرز نشین به شمار می‌رود. بدین معنی که از این طریق مردم ساکن شهرهای مرزی کشورهای همسایه می‌توانند در کنار هم و باهم از فرصت‌ها و منابع مشترک استفاده نمایند و این امر می‌تواند منجر به دوستی و تفاهم طرفین، امنیت و رونق اقتصادی و توسعه، ایجاد فرصت‌های شغلی و شکل‌گیری یک نوع مزیت نسبی در مناطق مرزی گردد (چانودیت و دیگران، ۲۰۰۴: ۱۴۵).

این حاشیه‌ای بودن از یک‌سو می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد، چون خود پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آن منطقه را مضمحل می‌سازد و از سویی دیگر می‌تواند معلول سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های ناکارآمد اقتصادی، سیاسی و... باشد. این وضعیت در

مناطق مرزی استان کردستان منجر به شکل‌گیری پدیده‌ای به نام کولبری شد که چالش‌های بسیاری در حوزه‌ی اقتصادی، اجتماعی و امنیتی برای سیاست‌گذاران، متولیان و مسئولان ذی‌ربط به وجود آورده است. بدین ترتیب، به‌رغم غیررسمی بودن این فعالیت‌های مرزی و عدم مشروعیت قانونی آن‌ها، سیاست‌گذاران توسعه‌ای و نهادها و سازمان‌های متولی را مجاب نمود تا در این زمینه به ارائه و عملیاتی کردن برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی بپردازند. ازجمله این برنامه‌ها می‌توان به طرح‌های مختلف کارت پبله‌وری، کارت مرزنشینی روستاییان، بازارچه‌های موقت و معابر کولبری، تعاونی‌های مرزنشینان و بالاخره بازارچه‌های مرزی که هدف آن‌ها مدیریت و سامان‌دهی مرزنشینان و به‌ویژه پدیده کولبری و اقتصاد غیررسمی مرزی بود اشاره کرد. درواقع، هدف اصلی این برنامه‌ها اشتغال و ارتقاء معیشت ساکنین مناطق مرزی، کاهش بیکاری و فقر، جلوگیری از قاچاق کالا، تثبیت جمعیت، کاهش میزان مهاجرت و برقراری امنیت بود. با این حال، این برنامه‌ها به‌رغم جنبه‌های مثبت کوتاه‌مدت آن و دستیابی به حد متوسطی از اهداف تعیین‌شده، به دلیل پاره‌ای از مسائل و مشکلات اقتصادی و گاه الزامات امنیتی، در کاهش و مدیریت پدیده کولبری موفقیت چندانی به دست نیاوردند. بر همین اساس، پژوهش حاضر در نظر دارد با بررسی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود و بالقوه در مناطق مرزی استان کردستان، به ارائه برنامه‌های توسعه‌ای و تولیدی در راستای توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی مناطق مرزی به‌عنوان جایگزین‌هایی پدیده کولبری بپردازد. با این وصف پرسش اصلی این پژوهش می‌تواند این باشد که ظرفیت‌های بدیل توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق مرزنشین استان کردستان کدام‌اند و چه نقشی به‌عنوان برنامه‌های جایگزین کولبری بازی می‌کنند؟

### مبانی نظری تحقیق

چهارچوب مفهومی پژوهش حاضر در سه بخش عوامل ساختاری مؤثر بر آسیب‌پذیری مناطق مرزی، دولت و توسعه و بازارچه‌های مرزی به‌عنوان برنامه و سیاست‌گذاری با استفاده از دیدگاه‌های نظری مطرح در حوزه توسعه نامتوازن منطقه‌ای تدوین شده است. همچنین در راستای پرداختن به برنامه‌های جایگزین توسعه‌ای-تولیدی و اشتغال‌زایی در اجتماعات مرزی به موضوعاتی همچون کارآفرینی، اشتغال‌زایی و... پرداخته شده است. پرورش یک مدل، الگو یا نظریه برای آسیب‌شناسی برنامه‌های مدیریت کولبری و ارائه جایگزین‌هایی توسعه‌ای در مناطق مرزی هدف نهایی پژوهش حاضر است. بر همین سیاق، در این پژوهش دیدگاه‌های توسعه اقتصادی، توسعه پایدار، توسعه اجتماعی، توسعه مشارکتی، دانش بومی و توانمندسازی جوامع محلی مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته‌اند.

## توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصاد در نیمه دوم دهه بیستم به شمار می‌رود. در تعریف، توسعه اقتصادی به‌عنوان فراگردی معرفی می‌شود که درآمد سرانه واقعی یک کشور طی یک دوره بلندمدت افزایش می‌یابد (همان). اما در تعریفی گسترده‌تر، توسعه اقتصادی عبارت است از رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل می‌شود اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهند کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به‌صورت مستمر و پویا افزایش یافته و هرروز نوآوری جدیدی ارائه خواهد شد. به‌علاوه می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهادها نیز در فرآیند تولید تغییر می‌کند. توسعه امری فراگیر در جامعه است و نمی‌تواند تنها در یک بخش از آن اتفاق بیفتد (همان).

### مرز، بازارچه‌های مرزی و توسعه

مفهوم مرز طبق تعاریف قدیم عبارت است از خطی در فضا برای جدا کردن مفهوم «ما» از مفهوم «آن‌ها» (مجتهدزاده، ۱۳۹۴: ۴۷). طبق این تعریف، مرزها بیش از هر نقش و کارکردی نقش جداکنندگی داشته و به معنی پایان بُرد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... ملت‌ها و حاکمیت‌ها به شمار می‌رفته است. هرچند برخی مرزها مناطق فرهنگی را شکافته و باعث جدایی و پراکندگی فرهنگ‌های واحد شده‌اند. امروزه در رابطه با نقش و کارکرد مرزهای سیاسی بین‌المللی تجدیدنظری صورت گرفته و مرز را خط جداکننده نمی‌دانند؛ بلکه مرز را پلی به‌منظور برقراری ارتباطات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... با سایر کشورها می‌پندارند. مرز سیاسی به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعد خاص، در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار، مانع ایجاد می‌کند (میرحیدر، ۱۳۸۰: ۱۱۴). آخرین حد قلمرو زمینی، هوایی، دریایی و تحت‌الارضی هر کشور را مرز آن کشور می‌گویند که مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی سرزمین یک کشور از کشور همسایه است. علاوه بر مرزهای زمینی و دریایی، هر کشور بر منابع زیرزمینی و آسمان خود نیز تسلط دارد. و به کلیه افرادی که در این نوار مرزی سکونت دائمی داشته باشد مرزنشین گویند (خالقی، ۱۳۹۱).

### توسعه و برنامه‌ریزی مناطق مرزی روستایی

نقش و جایگاه روستاها در فرآیند توسعه اقتصادی - اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه‌نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت و غیره موجب توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری گردیده است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۹).

### توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی روستایی

یک مسئله اساسی در ارتباط با امر اشتغال این است که افراد در شغلی خود باقی نمی‌مانند (عدم ثبات شغلی). به عبارتی، تغییر شغل و عدم توجه افراد به باقی ماندن در یک شغل، از چالش‌های مرتبط با اشتغال می‌باشد که توجه وزارت‌های مختلف از جمله وزارت کار و بازنشستگی، وزارت نوآوری، دانشگاه‌ها و مراکز مهارت‌آموزی و مراکز کاریابی را جهت ارائه راهکارهای حل آن به خود جلب کرده است. در این راستا، مباحث توسعه پایدار و پایداری شغلی مطرح می‌گردد.

### کارآفرینی و توسعه اقتصادی روستایی

در راستای توسعه اشتغال در نواحی روستایی، بر توسعه و گسترش کارآفرینی در نواحی روستایی به‌عنوان یکی از راهبردهای توسعه اشتغال در این نواحی تأکید می‌کنند. از نظر این دسته از محققان، کارآفرینی و کارآفرینان به‌عنوان نماد تلاش و موفقیت و همچنین، منشأ تحولات بزرگ در زمینه‌های تولیدی، خدماتی، تجاری و نیز، موتور محرک توسعه، پیشرفت اقتصادی، ایجاد شغل و اصلاح اجتماع محسوب می‌شوند تا جایی که اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه برای فرار از بیکاری با کمک نیروی کارآفرینی، حیاتی دوباره یافته و این مهم موجب توجه خاص کشورهای مختلف به موضوع کارآفرینی شده است (اوربانو و دیگران، ۲۰۱۰: ۵). در جوامع روستایی، کارآفرینی می‌تواند برطرف‌کننده بسیاری از چالش‌ها از جمله بیکاری، درآمد پایین و فقدان از نظر گروهی دیگر از محققان، گردشگری از مهم‌ترین راهبردهای نوع اقتصادی باشد (آرشیونگ، ۲۰۰۴).

## صنایع روستایی و توسعه اقتصادی روستایی

از دیگر راهبردهای توسعه اشتغال در جوامع روستایی، توسعه و گسترش صنایع در نواحی مذکور است که در اغلب کشورهای جهان مورد توجه واقع شده است. اقدام در جهت توسعه صنایع روستایی می‌تواند به افزایش رفاه عمومی و کاهش فقر و ایجاد اثرات تکاثری در دیگر ابعاد توسعه، زمینه ایجاد فضای زیستی مناسب در ابعاد محیطی، اجتماعی و فرهنگی روستاییان را فراهم کند. از این رو، امروزه صنعت به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی و محوری در توسعه و مخصوصاً توسعه مناطق عقب‌مانده، نقش اساسی را به خود اختصاص داده است؛ زیرا عوامل تولید در بخش صنعت برخلاف بخش کشاورزی از قابلیت جابجایی و انعطاف‌پذیری بیشتری با شرایط محیطی و اوضاع منطقه‌ای و ملی برخوردار است (همان).

## توسعه پایدار

کلی‌ترین و معنادارترین تعریف از توسعه همان تعریفی است که هوپارت ارائه می‌دهد «توسعه مترادف تغییرات اجتماعی و اقتصادی کم‌وبیش برنامه‌ریزی شده است» (عنبری ۱۳۹۰: ۱۱ به نقل از برنز ۱۳۸۵: ۱۹۶). بی‌گمان در اینجا مهم‌ترین مصداق و تجربه توسعه، تحولات قرن نوزدهم اروپاست. یعنی اندیشه پیشرفت و توسعه از پایان قرن هجدهم به بعد، پیوند ناگسستنی با نوگرایی غربی پیدا می‌کند. به‌طور عینی‌تر، می‌توان چندین عامل محسوس را در پیدایش اندیشه اجتماعی توسعه و برنامه‌نوسازی مطرح کرد که در این مجال برسد عامل اساسی تأکید می‌شود (۱) صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی روزافزون (۲) افزایش مسائل اجتماعی و ورود دولت‌ها در فعالیت‌های اجتماعی (۳) گسترش نظام بازار و شکل‌گیری «حوزه اقتصادی» (همان: ۱۲). تعابیر ذیل از جمله موارد متناسب با توسعه پایدار است که از آن می‌توان ذکر نمود: فرآیند وسعت دادن به انتخاب‌های مرد، ارتقاء فرآیندهای مردم‌سالاری مشارکتی و توانایی مردم برای داشتن سخنی در تصمیماتی که به زندگی آن‌ها شکل می‌دهند، فرآیند ایجاد فرصت‌هایی برای مردم تا از تمام توان خود استفاده کرده و آن‌ها را بسط دهند، فرآیند توانا ساختن فقرا، زنان و غیره برای سازماندهی خود و همکاری باهم (کوان و شانتان<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶: ۳). مفهوم توسعه پایدار مفهومی اساسی و مهم است، زیرا دربرگیرنده ایدئال‌ها و اصولی است که درک، شناخت و تحقق آن‌ها، آینده‌ای روشن را نوید می‌دهد و جهل نسبت به آنان، اضمحلال و نابودی محیط‌زیست و بشریت را به دنبال خواهد داشت. در توسعه پایدار به رشد اقتصادی و تحقق استانداردهای بهتر زندگی بدون از

دست دادن منابع کمیاب طبیعی توجه می‌شود. توسعه پایدار تلاش برای حمایت از آینده، در زمان حال است (زاهدی، ۱۳۸۸: ۶). منظور از پایداری، امکان اجرای یک عمل در درازمدت است. توسعه پایدار به معنای «تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای حداکثر سازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب‌رسانی به توانایی نسل‌های بعدی برای برآوردن نیازهایشان است» (نوابخش و ارجمند، ۱۳۸۸: ۲۲). پس باید گفت که هدف توسعه در کل می‌توان با این وصف به پایان برد که پرورش قابلیت‌های انسانی و گسترش امکان‌های اوست. برخورداری انسان از زندگی سالم، طولانی، خلاق در محیط‌زیست غنی و در جامعه مدنی دموکراتیک که هدف نهایی توسعه است (عنبری ۱۳۹۰: ۳۸۶).

### توسعه و توانمندسازی اجتماعات محلی

توسعه محلی اهداف متنوعی را نظیر کمک به افراد اجتماع محلی برای شناسایی و برطرف کردن نیازها و خواسته‌های خودشان (کسی، ۱۹۹۹: ۲)، حل مسائل محلی، ترویج دموکراسی و ایجاد حس اجتماع‌محور (همان: ۱)، ایجاد تغییرات مثبت در زندگی و تقویت بافت اجتماعی (اورسول، ۲۰۱۴: ۲)، بهبود کیفیت زندگی اجتماعی محلی (محمد و سیلونگ، ۲۰۱۰: ۵)، برآورده کردن نیازهای روزمره و ایجاد رفاه و آسایش انسانی (وارگاس، ۲۰۰۰، ۳)، ایجاد اعتماد به نفس و روحیه زندگی اجتماع‌محور در بین مردم، ایجاد انسجام در اجتماع محلی، فراهم کردن محیطی جذاب، پشتیبان و کارآمد با حداکثر دامنه انتخاب فردی برای جایی که مردم در آن زندگی و کار می‌کنند (بهزاد و احمد، ۲۰۱۲: ۴)، توانمند ساختن (والکر، ۱۹۸۲: ۲) اجتماعات محلی به حاشیه رانده‌شده با ظرفیت‌سازی، ایجاد اعتماد و پایداری شبکه‌های موجود در اجتماع محلی و بازسازی ساختارهای فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی آن (زال و دیگران، ۲۰۱۴: ۶) دنبال می‌کند. از این رو توسعه محلی هم توسعه امکانی (تسهیلات رفاهی و خدمات اجتماعی) و هم توسعه سبکی (ظرفیت‌سازی، توانمندسازی، حفظ هویت و ایجاد پایداری) را در برمی‌گیرد.

### پیشینه پژوهش

گافنی، نولان<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله «کسب مشارکت شرکت‌های چندملیتی در بازارچه‌های مرزی در حال ظهور: (MNE) (نقش فاصله اقتصادی و دانش)» به این نتیجه رسیده است که سطح

۱. Nolan Gaffney

بیشتری از انتقال دارایی با توجه به هدف قرارداد سرمایه‌گذاری در کشورهایی که از نظر اقتصادی یا دانش از راه دور، ممکن است بخواهند در افزایش سطح مشارکت بیشتری شرکت داشته باشند. والتر و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود با عنوان «سازگاری با حاشیه: بمانم یا بروم» در منطقه مرزی آلمان " به این نتیجه رسیدند که آن‌هایی که مهاجرت کرده‌اند از دلایلی همچون فقر اقتصادی، پناهنده شدن به خاطر حاشیه بودگی سیاسی و مهاجرت به دلایل آموزشی و حرفه‌ای سخن گفته‌اند. سیکدر و سرکار (۲۰۰۵) به بررسی «شیوه معیشت و تجارت غیررسمی در مرزهای بنگلادش» پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد اگرچه تجارت غیررسمی در مرزها غیرقانونی است، نقش مهمی در تأمین معیشت فقرا ایفا می‌کند و از آنجاکه دولت از تأمین نیازهای فقرا ناتوان است، آن‌ها به تجارت مرزی غیررسمی روی آورده‌اند. کریم‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله «ارزیابی تأثیرات اجتماعی-اقتصادی بازارچه مرزی شوشمی بر توسعه روستایی پیرامون»، به این نتیجه دست‌یافت‌اند که در لایه‌های اول و دوم تأثیر شاخص‌های رفاه اجتماعی، اقتصاد روستایی، اقتصاد روستا و کشاورزی، صنایع‌دستی و مشارکت اجتماعی بیشتر است. از نتایج دیگر آن‌ها این است که تأثیرات اقتصادی از تأثیرات اجتماعی بیشتر است. ویسی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله «تحلیل اثر بازارچه‌های مرزی بر معیشت پایدار پس‌کرانه‌های روستایی (مورد مطالعه: بخش خاومیرآباد شهرستان مریوان)»، به این نتیجه رسیدند که تأسیس بازارچه‌ها معیشت پایداری را برای روستاییان رقم‌زده است. همچنین تأسیس بازارچه‌ی مرزی با کاهش آسیب‌پذیری روستاییان در برابر بحران‌ها و شوک‌ها و تنوع معیشتی، زمینه‌ساز افزایش پایداری معیشت روستاییان شده است.

درواقع، مرور پیشینه پژوهش در زمینه مناطق مرزی در ایران، بیشتر حول محور بازارچه‌های مرزی و مسائل اقتصادی و گاه‌ا اجتماعی آن بوده است. هرچند که پژوهش حاضر ابعاد اقتصادی مناسب‌تر مرزی و همچنین نقش بازارچه‌های مرزی را به‌عنوان یکی از برنامه‌های توسعه‌ای مناطق مرزنشین مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد، اما تنها به این بعد و این برنامه محدود نمی‌گردد. در واقع، این پژوهش سعی دارد به ارزیابی نقش و جایگاه طیف متنوع‌تری از برنامه‌های و ظرفیت‌های توسعه‌ای مناطق مرزنشین بپردازد که بازارچه‌های مرزی تنها یکی از این موارد است. همچنین اگر پژوهش‌ها تنها موقوف به بعد اقتصادی مناطق مرزی هستند، این پژوهش به دیگر ابعاد اجتماعی، سیاسی-امنیتی و فرهنگی مناطق مرزنشین نیز توجه بسزایی خواهد داشت. از دیگر تفاوت‌های پژوهش حاضر می‌توان به مسئله و پدیده کولبری اشاره کرد. در واقع، هیچ‌کدام از پژوهش‌های انجام‌گرفته به بررسی نقش و جایگاه ظرفیت‌های بالقوه توسعه‌ای در مدیریت پدیده کولبری نپرداخته‌اند.



## روش پژوهش

میدان مورد مطالعه در این پژوهش از سویی اسناد و مدارک برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اسناد دولتی مربوط به مبادلات مناطق مرزی به صورت هدفمند می‌باشد و از سوی دیگر، گروه‌های ذینفع شامل کولبران (روستایی و شهری)، مسئولان و کارمندان ذی‌ربط (بخشداری، فرمانداری، هنگ مرزی، گمرک، بازارچه‌های مرزی و...) و نخبگان محلی (تحصیل کرده‌ها، دهیاری‌ها/شهرداری‌ها، شورای شهر و روستا) را در برمی‌گیرد. نمونه پژوهش به دلیل کیفی بودن آن، نه از نوع آماری بلکه از سنخ نظری آن است. بنابراین به صورت عددی و یا مبتنی بر محاسبات فرمول کوکران نمی‌توان پیشاپیش حجم نمونه‌ی مورد بررسی را مشخص نمود. حجم یا تعداد نمونه این پژوهش در روند انجام آن و بر اساس غنی بودن نمونه از لحاظ اطلاعات مورد نیاز با رعایت تنوعات جامعه‌ی مورد بررسی است. لذا نمونه‌ها عبارت‌اند از ذینفعان و ذی‌ربطان برنامه‌ها با رعایت حداکثر تنوع در میان مردمان مرزنشین که با بازارچه‌ها و معابر کولبری ارتباط داشته و کارشناسان، متخصصان این حوزه در سه شهرستان استان کردستان انتخاب می‌شوند. بدین معنا نمونه‌ها بر اساس بافت اجتماعی و فرهنگی مناطق استان، در قالب سه پهنه شامل؛ منطقه یا پهنه اول شهر مریوان و روستاهای مرزی، منطقه یا پهنه دوم شهر بانه و روستاهای مرزی و منطقه یا پهنه سوم شهر سروآباد و روستاهای مرزی جای می‌گیرند. در مرحله بعد نمونه‌ها بر اساس تنوع، به مناطق شهری و روستایی، بر اساس دوری و نزدیکی (فاصله از مرز و بازارچه مرزی و معابر کولبری)، تقسیم می‌شوند. در بخش تحلیل محتوای کیفی پژوهش متکی بر تحلیل اسنادی بوده است. در نظریه زمینه‌ای نیز هنگام گردآوری داده می‌توان از روش‌های مختلفی مانند مصاحبه، مشاهده و اسناد نوشتاری استفاده کرد (همان: ۱۴).

باین حال، روش محوری همان مصاحبه کیفی است. «ارائه یک نظریه زمینه‌ای مناسب مستلزم گردآوری داده‌های متنی - مصاحبه‌ای عمیق است. گردآوری داده از طریق فن مصاحبه شامل سؤالات مستقیم از مردم درباره تجربیاتشان، عقایدشان، احساس و دانششان می‌شود. در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، جهت گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق و گروه‌های کانونی استفاده می‌گردد. راهبرد مصاحبه در این پژوهش، مصاحبه ساختارند و نیمه ساخت یافته است. به لحاظ فن تحلیلی، از فن تحلیل تماتیک<sup>۱</sup> (مضمونی) استفاده می‌شود. در این نوع فن تحلیلی، سعی بر برکشیدن مضامین یا کد از طریق کدگذاری محتوای مصاحبه‌های انجام شده است (همان، ۱۳۹۴: ۱۲۳؛ محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۳۰-

۲۲۷؛ فلیک، ۱۳۸۷: ۳۲۹.

### سرمایه گذاری

توسعه متعادل که همواره در برنامه‌های توسعه ایران بعد و قبل از انقلاب ۵۷ مدنظر بوده است، غالباً بر قابلیت‌های محیطی و استفاده حداکثری از آن، توزیع مناسب فعالیت‌ها در مناطق استوار می‌باشد که با تکیه سیاست‌گذاران بر توسعه سطحی و عدم توجه به برنامه‌های بلندمدت و نگرش صرفاً اقتصادی به برنامه‌های توسعه که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ با ناکامی مواجه بوده است. توسعه درون‌زا در مقیاس منطقه‌ای به‌عنوان یک هدف مطلوب در برنامه‌ریزی منطقه‌ای نیازمند هماهنگی تمامی اجزاء و عناصر برنامه‌ریزی در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان می‌باشد. مقدمه تحقق چنین توسعه‌ای تقویت زیرساخت‌ها و منابع تولید باهدف نیل به رشد درون‌زا و افزایش تولید ناخالص درون منطقه‌ای می‌باشد.

تأکید خاص بر آمایش مناطق مرزی برای بهبود شرایط زندگی و

افزایش سطح توسعه این مناطق به‌منظور ارتقای امنیت مرزهای کشور

(ضوابط ملی آمایش سرزمین، ۱۳۸۳)

مزیت‌های نسبی مناطق مرزی کردستان، ظرفیت‌های زیادی به‌منظور تحقق توسعه رادارند، این ظرفیت‌ها به‌گونه‌ای است که می‌تواند این منطقه را به قطب توسعه در سطح ملی و فراملی بدل کند. بر این اساس مناطق مرزی کردستان اگر موضوع انگاره‌های امنیتی و سیاسی نظام برنامه‌ریزی قرار نگیرد و از نظر کاربست سیاست‌های توسعه‌ای همانند مناطق توسعه‌یافته‌تر مراکز ایران با آن برخورد شود، بدون شک در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت نتایج بسیار مطلوبی را نصیب مناطق هم‌جوار خود در راستای توسعه ملی نیز خواهد کرد.

### نهاد‌های توسعه‌ای

نهاد‌های سیاسی و حقوقی، به نسبت میزان سازگاری‌شان با فرآیند توسعه، بر روند «انباشت عوامل تولید» و همچنین بر میزان «بهره‌وری کل عوامل تولید» و درنهایت بر «تولید ملی» تأثیر می‌گذارند. این نهادها می‌توانند با شکل‌دهی ساختارهای انگیزشی در جهت حمایت از تولید و همچنین با فراهم کردن بستر مناسب برای فعالیت‌های مولد، به‌عنوان یک عامل پیش‌برنده ظاهر شده و یا در مقابل با ایجاد انحراف از تولید و افزایش هزینه‌های مبادلاتی به‌عنوان یک عامل بازدارنده نقش ایفا کنند (آزمند، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

به دولت اجازه داده می‌شود که حداکثر در سه نقطه از نقاط مرزی کشور، مناطق آزاد تجاری - صنعتی تأسیس نماید (ماده واحده، تبصره ۱۹، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷).

همان دلایلی که توسعه مناطق مرزی و اقتصاد فضای آن را تحت تأثیر خود قرار داده است، بدون شک می‌تواند اقداماتی را که در ظاهر توسعه‌یافتگی این مناطق را نوید می‌دهند، دچار اختلال و ناکارآمدی کنند. به عبارت دیگر نهادهایی که می‌توانند در فرآیند توسعه مناطق مرزی نقش تسهیل‌کننده‌ای داشته باشند، مستعد آن هستند که در حفظ شرایط موجود توسعه‌نیافتگی این مناطق ایفای نقش کنند و در جهت نامتعادل کردن توسعه منطقه‌ای تأثیرگذار باشند. نظام برنامه‌ریزی، طرح‌ها و برنامه‌های خود را مشروط به ملاحظات امنیتی و دفاعی تدوین می‌کند و از آنجاکه مناطق مرزی تا حدود زیادی موضوع مباحث امنیتی و دفاعی هستند، نهادهایی که برای تحقق توسعه این مناطق توسط قانون‌گذار و در چارچوب نظام اداری - سیاسی آن تأسیس می‌شوند، نمی‌توانند از خط‌مشی و اهداف خرد و کلان از پیش تعیین‌شده‌ای که در مورد مناطق مرزی در نظر گرفته شده‌اند عدول کنند، در نتیجه وضعیت مناطق مرزی با تکیه بر چنین پنداشته‌هایی به احتمال زیاد، توسعه اقتصادی را تجربه نخواهد کرد.

ایجاد تسهیلات لازم از قبیل بخشودگی مالیاتی به مدت ۵ سال (برای نقاط محروم ۸ سال)، پرداخت بخشی از سود تسهیلات بانکی و نظایر آن برای بخش‌های خصوصی و تعاونی در زمینه تأمین و توسعه، انجمن‌ها، کانون‌ها و مراکز علمی، آموزشی، دینی، فرهنگی، هنری، تلویزیونی، سینمایی و تجربی (کارگاهی) و ورزشی برای جوانان و دانش‌آموزان (قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تبصره ۶۰، بند الف).

تقویت و تجهیز بنگاه‌های اقتصادی در مناطق مرزی که به صورت خصوصی اداره می‌شوند بی‌گمان تحقق توسعه این مناطق تحت تأثیر قرار نخواهند داد. مشوق‌های اقتصادی از قبیل بخشودگی مالیات‌ها در مناطق مرزی مورد بحث در ارتباطی که می‌تواند با معیشت کولبری برقرار کند، دارای همبستگی بسیار ضعیف و پائینی می‌باشد.

به منظور ایجاد اشتغال در مناطق روستایی به ویژه در مناطق توسعه نیافته، صندوقی تحت عنوان صندوق قرض الحسنه توسعه اشتغال روستایی با سرمایه دولت و مردم تأسیس می شود. اساسنامه تأسیس صندوق مذکور به پیشنهاد مشترک وزارتخانه های جهاد سازندگی و کشاورزی و دفتر امور مناطق محروم کشور - رئیس جمهور و سازمان برنامه و بودجه تهیه و ظرف مدت دو ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید (قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۳۷، بند ۷-د).

به صورت بدیهی کولبری به دلیل عدم وجود اشتغال مناسب در مناطق مرزی پدید آمده است و با وجود آنکه خود این معیشت در تضاد آشکار با اشتغال مناسب و مطمئن قرار دارد. تأسیس صندوق ها و مؤسسات مالی و اعتباری به منظور تسهیل در دستیابی به اشتغال مناسب در مناطق محروم در رویه های تحقق توسعه و به دنبال آن حذف معیشت کولبری بدون شک اقدامی مناسب تلقی می گردد.

در راستای ارتقاء و تقویت اقتصاد و معیشت مرزنشینان با رعایت ملاحظات و تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی، دولت حمایت مالی و حقوقی لازم را از استقرار صنایع و شکل گیری تعاونی های مرزنشینان و حق بهره برداری از زمینه ای مستعد کشاورزی و استفاده حداکثری از منابع طبیعی و گردشگری در مناطق مرزی به عمل می آورد.

توسعه صنعتی مناطق مرزی به معنای واقعی کلمه، می تواند نقش بسیار زیاد و مهمی را در تعادل منطقه ای و بهبود وضعیت مناطق مرزی ایفاء کند و مزایایی آن نیز توسعه منطقه ای و ملی را در مسیرهای سازنده ای قرار خواهد داد.

بازنگری در سازمان دولت با انتقال اختیارات لازم و مکفی به مسئولین محلی و ایجاد واحدهای سازمانی غیر مرکزی جهت جبران عقب ماندگی مناطق محروم کشور (قانون اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۸، بند ۴).

ملی گرایی و برنامه ریزی از پائین به بالا و تعریف سازمان های متولی برای آن در کشورهایی که دارای تنوع جغرافیایی، فرهنگی و ... هستند، گام بسیار مهمی در جهت تحقق توسعه پایدار محسوب می شود

که در رویکردهای نهادی به‌عنوان یک ظرفیت ارزشمند از آن بحث می‌شود. چنین رویکردی در برنامه‌های توسعه علاوه بر توانمندسازی محلی، نهادهایی را ایجاد خواهد کرد که روند تدوین تا چگونگی اجرای توسعه مناطق مرزی و محروم را واقعی خواهد کرد.

### انسجام و هماهنگی

انسجام و هماهنگی در برنامه‌های توسعه ذیل یک سیاست به‌عنوان یک متغیر میانجی میان توسعه مناطق مرزی و مسئله کولبری عمل می‌کند. در مناطق مرزی مورد بحث به دلیل ملاحظاتی که در مطالب پیشین ذیل اصول آمایش سرزمین به آن اشاره گردید، عملی شدن چنین گزینه‌هایی ممکن به نظر نمی‌رسد.

اتخاذ تصمیمات سازگار جهت محرومیت‌زدایی و رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای در برنامه‌های آمایش سرزمین (قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، خط‌مشی‌های اساسی، بند ۱۲).

نگهداشت و جذب نیروی انسانی هر منطقه می‌تواند در هماهنگی و انسجام و در نهایت رشد شاخص‌های توسعه‌ای آن منطقه مؤثر واقع گردد. ارائه امتیازات بیشتر به افراد دارای اشتغال رسمی (به‌عنوان مثال شاغلین آموزش و پرورش) در این مناطق تأثیرات مطلوبی را بر روند تحقق توسعه مناطق مرزی و محروم می‌گذارد. اگرچه چنین امتیازاتی نمی‌تواند در کوتاه‌مدت و میان‌مدت در زدودن چهره محرومیت از مناطق مرزی مؤثر واقع شود و موجبات انباشت سرمایه را به‌منظور تحقق توسعه اقتصادی فراهم آورد، اما ماندگار کردن این نیروها از نظر فرهنگی و اجتماعی می‌تواند، در بلندمدت اثرات مثبت و رضایت‌بخشی بر توسعه اقتصادی این مناطق بگذارد.

به دولت اجازه داده می‌شود در طی برنامه سوم برای تنظیم و اصلاح ساختار نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش و به‌کارگیری نیروهای انسانی در مناطق نیازمند و به‌خصوص مناطق توسعه‌نیافته یا کمتر توسعه‌یافته کشور، مقررات لازم را برای ایجاد انگیزه در زمینه نقل و انتقال، بازخرید، کاهش ساعات کار در مناطق توسعه‌نیافته یا کمتر توسعه‌یافته، پرداخت پاداش اضافه‌کار و سایر موارد لازم، وضع و اجرا کند. (بند الف، ماده ۱۴۳: قانون سوم برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران).

## کارآفرینی

وضعیت اشتغال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عامل‌های سنجش سطح توسعه‌یافتگی جوامع دارای اهمیت زیادی می‌باشد. خود معیشت کولبری در مناطق مرزی به‌صورت مستقیم در جهت پر کردن خلأ اشتغال پدید آمده است و همین امر باعث مسئله‌اند شدن معیشت کولبری شده است و در همین راستا کارآفرینی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران به‌صورت کلی معطوف به از بین بردن بیکاری و افزایش نرخ اشتغال بوده است و به‌عنوان گزینه‌ای که می‌تواند موجبات محرومیت‌زدایی از مناطق محروم را فراهم کند، یک راه‌حل اقتصادی قلمداد شده است. توسعه تعاونی‌های روستایی و مرزنشینی، ارتقای آموزش نیروی کار و توسعه اشتغال‌های خانگی در کلیت خود به‌منظور پائین آوردن نرخ بیکاری و کاهش بار تکلف دولت‌ها به‌منظور کاهش مستخدمان بخش دولتی بوده است.

اتخاذ سیاست‌های مناسب برای ایجاد واحدهای تولیدی و اشتغال‌زا در مناطقی که دارای نرخ بی‌کاری بالایی هستند (قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کارکنانی بخش دولتی، بند ۱۳).

تشکیل تعاونی‌های مرزنشینان در مناطق مرزی به‌صورت مشخص اهدافی را دنبال می‌کنند که ماهیتی اقتصادی دارند و علاوه بر این ثبات و امنیت مناطق مرزی را که یکی از اصول اولیه ساختار سیاسی می‌باشد را تأمین می‌کند. روابط و جریان‌های اقتصادی در مناطق مرزی به دلیل حاکمیت شرایط مختلف سیاسی، اجتماعی و... به سمتی جهت داده‌شده است که چنین تعاونی‌های نتوانند ماهیتی تولیدی به خود بگیرند و از این حیث تحقق توسعه‌ای که بتوان در جوار آن کولبری را حذف نمود امکان‌ناپذیر جلوه خواهد کرد.

امتیازات اعطائی به اهالی بخش‌های مرزی کشور و تعاونی‌های مرزنشینان در خصوص تسهیلات مبادلات مرزی به‌منظور رفع نیازهای ضروری زندگی و رفاه حال آنان می‌باشد (دستورالعمل نظارت بر شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی مرزنشینان، ۱۳۸۸).

## توانمندسازی ساکنان محلی

دولت و جامعه نقش‌هایی گسترده در تقویت و حراست از توانمندی‌های انسان دارند و نگرش آزادی‌محور در اهداف و ابزار توسعه تأثیر مستقیم در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه و تحقق اهداف آنها

دارد. برخورداری از آزادی‌های اساسی که جنبه‌های مختلفی دارند از همبستگی‌های درونی فراوانی برخوردارند که می‌توانند جهت‌گیری‌های متفاوت داشته باشند و فرآیند توسعه تحت تأثیر شدید این همبستگی‌ها قرار می‌گیرند.

وزارت آموزش و پرورش موظف است به منظور تضمین دسترسی به فرصت‌های عادلانه آموزشی به تناسب جنسیت و نیاز مناطق به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته و رفع محرومیت آموزشی، نسبت به آموزش از راه دور و رسانه‌ای و تأمین هزینه‌های تغذیه، رفت و آمد، بهداشت و سایر امور مربوط به مدارس شبانه‌روزی اقدام نماید (قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۹، بند - د).

### انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی به‌عنوان نوعی از ترتیبات اجتماعی که منجر به تعامل متقابل و حس تعلق و یکپارچگی در جامعه می‌شود، شرط لازم برای اجرای اصلاحات نهادی و منشأ دستیابی به توسعه اقتصادی محسوب می‌گردد (متوسلی و زبیری، ۱۳۹۲: ۵۴) و از جایی که تفاوت‌های اجتماعی دارای تجلی فضایی هستند، فضا و مکان این تفاوت‌ها موجب نگرانی برنامه‌ریزان را به دنبال داشته است (کومار، ۲۰۰۲: ۱۷).

### بخش دوم: آسیب‌شناسی برنامه‌های مدیریت کولبری (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)

در دهه‌های گذشته در تحقیقات توسعه‌ای اعم از تحقیقات اقتصادی و اجتماعی و اکولوژیک به مناطق مرزی و تأثیرات مرزی توجه بسیاری صورت گرفته است. این رغبت و علاقه وافر به مناطقی که در امتداد مرزهای همگرایی کشورها قرار گرفته‌اند به‌طور مشخصی از این تصور نشأت گرفته است که این مناطق جغرافیایی ویژه، ممکن است موجب ایجاد سازگاری و همسانی اقتصادی در همگرایی بین کشورها گردند (همان: وی آی).

### فقدان برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی توسعه محور

دولت به‌عنوان مجری برنامه‌های توسعه نقش بی‌بدیلی در انتظام و تدوین سازوکارهایی دارد که در بازه‌های زمانی مختلف، اهداف موردنظر خود را تأمین کند. بر این اساس نظام برنامه‌ریزی به‌عنوان یکی از ابزارهای تحقق‌بخش توسعه به‌صورت مستقیم مشروعیت خود را از دولت دریافت می‌کند. آدریان لفت‌ویچ<sup>۱</sup> می‌گوید دولت توسعه‌خواه دولتی است که قادر به تولید حرکت پایدار معطوف به توسعه است. از نظر وی دولت توسعه‌خواه دولتی است که عملکرد موفق توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی‌اش نشان از این دارد که چگونه اهداف سیاسی و ساختارهای نهادی‌اش جهت‌گیری توسعه‌ای دارد و درعین حال اهداف توسعه‌ای آن به لحاظ سیاسی جهت‌گیری شده است (لفت‌ویچ، ۲۰۰۸: ۱۲، به نقل از موثقی و کاهه، ۱۳۹۳: ۹۷۱).

### ناپایداری برنامه‌های اجرایی در مناطق مرزی

بی‌ثباتی و ناپایداری برنامه‌های اجرایی، جامعه کولبران را به‌شدت متأثر از خودکرده است. این ناپایداری در طول زمان همواره با اشکال متفاوت خود را نشان داده‌اند. یکی از این فقدان پایداری‌ها، بیکاری‌های ادواری و توقف برنامه‌های کولبری بوده است که وضعیت معیشتی کولبران را دچار مشکلات فراوانی کرده است.

الان این روستای ما رو به دو بخش تقسیم کن نصفشان هیچ کاری ندارن فقط به خاطر اون مرز نشسته، الان یه کارتی اومده کارت مرزنشینان به خاطر اینکه شاملش بشه از مزایایش اگرچه چیزیم نیست که بگم باهاش زندگیشو میچرخونه... مردم به خاطر اینکه به انتظار اون که بله سیران‌بند باشه و از اون تخفیفات گمرکی‌ای که معادل دویست و هفتاد هزاره واسه هر نفر که بهشون دادن استفاده کنه.

در نظر گرفتن همه ساکنان مناطق مرزی به‌منظور تحقق توسعه یکپارچه انسانی و اجتماعی امری گریزناپذیر است. در هر جامعه‌ای همواره افرادی وجود دارند که به دلیل خاص بودن شرایطشان توان دسترسی به منابع مشروع و مرسوم جامعه را ندارند. به‌این‌ترتیب ارائه خدمات به این افراد و گروه‌ها، یک وظیفه اجتناب‌ناپذیر دولت قلمداد می‌شود. برنامه‌های اجرایی در مناطق مرزنشین چنین موردی را کمتر موردعنایت قرار داده است. افراد زیادی وجود دارند که به‌واسطه‌ی تبعات کولبری قادر به تأمین



ماینحتاجت زندگی خود نیستند و می‌طلبند که به این گروه‌ها نگاه ویژه‌تری اتخاذ گردد. عدم ثبات برنامه‌های اجرایی و کم‌دوامی عمر آنان باعث شده است که این گروه‌ها و افراد دچار مسائل زیادی شوند.

یه دفترچه بود، اون دفترچه هم قطع شد اونایی هم که میرن به‌عنوان کولبر به رسمیت شناخته نشدن، اینایی که میگم ساکن این روستا بودن و شامل همه کس میشد، حتی کسانی هم که بی سرپرست بودن، الان آگه یه زن می‌بود بی‌سرپرست بود یه کارت بهش میدادن، میگم واسه اونا خوب بود، الامن یه جوانم، می‌تونم برم هر کاریو انجام بدم، اما کسی که بی‌سرپرست باشه صد هزارم براش حُکم یه میلیونو داره.

ناپایداری برنامه‌ها علاوه بر کولبران، وضعیت افرادی را هم که در مناطق مرزی مشغول به تجارت و دادوستد هستند را دچار کاستی می‌کند. این کاستی‌ها محدودیت‌هایی است که برای فعالیت‌های بازرگانی در بازارچه‌ها توسط دولت وضع می‌شود؛

فلانی از تهران، از خراسان میاد بانه خرید کنه، میگه یه ال سی دی میخرم، یه کولر گازی میخرم، یه لباسشوئی میخرم، یه ظرفشوئی میخرم، یه یخچال میخرم ... با این پنج قلم سه چهار میلیون تفاوت داره با شهر خودم ... اینجوری نیست؟

برنامه‌ها و اقداماتی که باید به‌صورت قانونی دشواری‌های زندگی در مرز را کاهش دهد، بر اساس آنچه افراد ساکن این منطقه به آن اشاره می‌کنند، به‌عنوان یک مانع تحقق بهبود وضعیت ساکنان این مناطق عمل کرده است. بیکاری‌هایی که به سبب اتخاذ و کاربست چنین سیاست‌های غیرهوشمندانه‌ای شکل گرفته است، موجبات هدر رفت بخش قابل توجهی از سرمایه‌ها و پتانسیل‌های انسانی را سرعت بیشتری بخشیده است.

... [کارت سوخت] ... ولا میاد کم تا بیش میاد به شیوه کامل نه ولا، درامدش ثابت نیست، پارسال اواخر بهار یا تو تیرماه یه میلیون اومد حساب چند بار دویست سیصد هزار اومده، از سال نودو پنج تا الان حدود دومیلیون و دویست تا سیصد هزار اومده ولی چیز مشخص و ثابتی نیست (قسمتی از مصاحبه با دهیار روستای بهرام آباد، شهرستان سروآباد).

مسدود شدن راه‌های کسب درآمد در مناطق مرزی باعث می‌شود تا شرایطی متولد شود که بروز اختلال در مناسبات اجتماعی نتیجه آن است. برهم خوردن تعادل‌های اقتصادی، نامتعادل شدن وضعیت

اجتماعی را به دنبال خود خواهد داشت. این عدم تعادل‌ها علاوه بر جامعه کولبران را به دلیل اینکه از نظر اقتصادی دارای وضعیت نامشخص و نارضایت‌بخشی هستند را تهدید می‌کند و به دنبال آن تعاملات اجتماعی آنان را نیز نامتعادل خواهد نمود؛

طرف می‌گه مثلاً میری خواستگاری هر دختری تا خونه نداشته باشه، ماشین نداشته باشه، سرمایه‌ای نداشته باشه، وضعی نداشته باشه من شوهر به چی بکنم؟ واقعاً کلاً ازدواجو متوقف کرده، چون واقعاً هم اینجوریه قبلاً مرز که بود یارو ماهی یه میلیون تومن دو میلیون تومن بدست می‌آورد.

ناپایداری برنامه‌ها در مناطق مرزی علاوه بر تبعات سوئی که بر اقتصاد منطقه می‌گذارد، گاهاً برخی از ساکنان را وادار به کارهایی می‌کند که باعث از بین رفتن سرمایه‌ها و منابع طبیعی می‌شود. هنگامی که برنامه‌ها از اصول و مبانی علمی پیروی نکنند به صورت بدیهی، نه تنها توان نقش‌آفرینی مثبت و مطلوب در زندگی مردم ندارند، بلکه به دلیل ناپایدار بودنشان به ظهور جایگزین‌هایی منجر می‌شوند. ساکنان مناطق مرزی در برنامه‌های اجرایی همواره به یک شیوه از مزایای همانندی برخوردار نبوده‌اند. برنامه‌ها در این‌گونه موارد نیز علاوه بر موقت و ناپایدار بودن تمام مرزنشینان را به صورت کامل مورد پوشش قرار ندادند.

... کارت‌ها هم همه روستاها بیست عدد، پونزده عدد، سی عدد، چهل عدد غیر فعال داشت همشون مشکل داشتن حتی چن دفعه رفتیم جلوی بخشرداری مردم جمع شده بودن میگفتن من همسایه مون داره من چرا ندارم؟ [کارت الکترونیکی مرزنشینان] اون فعاله چرا من فعال نیست (قسمتی از مصاحبه با یکی از شوراهای روستای قلقله، شهرستان مریوان).

یکی از خصایص لاینفک ناپایداری برنامه‌های اجرایی ایجاد زنجیره توالی و تثبیت وضعیت نامطلوب عناصری است که باهدف بهبود شرایط زندگی مرزنشینان ایجاد شده‌اند. در مناطق مرزی نقشی که تعاونی‌های تولید باید ایفاگر آن باشند به درستی محقق نشده است. کار آبی به نسبت پائین تعاونی مرزنشینان تا حدود زیادی وابسته به وضعیت ناپایدار برنامه‌های اجرایی این مناطق بوده است. بخشی از کارا نبودن این تعاونی‌ها که نتوانسته‌اند اهداف موردنظر خود را محقق کنند، درگرو بی‌ثباتی اشتغال و معیشت غالب کسانی بوده است که اعضاء تعاونی را تشکیل داده‌اند.

یکی دیگر از مسائلی که قربانی فقدان ثبات در برنامه‌ها و دستورالعمل‌ها شده است، زمان‌بندی در ارائه خدمات است. اینکه ساکنان مناطق مرزی زمان مشخص دریافت یک خدمت تعریف شده، مانند واریز

شدن پول به حساب آن‌ها، شارژ کارت‌های الکترونیکی مرزنشینی و... برایشان معلوم نباشد، برنامه‌ریزی آنان برای مدیریت سایر جنبه‌های زندگی را به نتیجه نخواهد رسید. آن‌گونه که از داده‌های میدانی برمی‌آید گویا عدم انسجام و ناپایداری برنامه‌های اجرایی در مناطق کولبری درصدد گسترش تعمیم‌پذیری خود به زندگی روزمره به مرزنشینان است.

عمران و آبادانی روستاها یکی دیگر از مواردی است که به سبب ناپایداری برنامه‌های اجرایی در روستاها متوقف شده است. همبستگی برنامه‌های اجرایی در مناطق مرزی با تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی امری گریزناپذیر است، در زمانی که برنامه‌ها اجرا می‌شوند و درآمدهایی که از همین طریق به واسطه‌ی کولبران به پروژه‌های عمران و آبادانی اختصاص داده می‌شود در مقایسه با زمانی که چنین برنامه‌هایی متوقف می‌شوند، اثرات متفاوتی داشته‌اند؛

من تو سال نودوشش یک کیلومتر آسفالت کردم به‌عنوان یه دهیار کلاً به پشتوانه اون دفترچه‌های مرزی یک کیلومتر داخل روستارو آسفالت کردم، کاک صلاح هفده هزار متر سنگ فرش کرد، من نمیگم کلاً مال ما بود ولی ما از اون دفترچه‌ها اون موقع یه عوارض میگرفتیم، پنج هزار تومان برای هر کولبر می‌اومد رو حساب روستاها ما همم در امور عمرانی روستا هزینه‌ش میکردیم ...

برنامه‌ها و تدابیری که حاصل درک صحیح و اصولی واقعات جامعه نباشد بدون شک نتایج قابل قبولی هم به دنبال نخواهد داشت، یکی از ضعف‌های اساسی برنامه‌هایی که گمان می‌رفت گامی در جهت کاهش تأثیرات زیان‌بار کولبری تا یافتن جایگزین مناسب می‌باشد؛ مبهم ماندن سرانجام آنان می‌باشد. به اعتقاد اکثر جامعه مورد مصاحبه پژوهش حاضر وضعیت به وجود آمده‌ی حال حاضر مناطق کولبری تابع اخذ سیاست‌هایی بوده است که وجه‌ای قانونی دارند، اما به دلیل عدم کاربست مداوم آنان در کنار و مشخص نبودن وضعیت ماندگاری آنان در سال‌های آینده به بنیان مشکلات جدیدی دامن زده است که بر مسائل و مشکلاتی که به‌صورت خاص و مستقیم برای جامعه کولبری پیش‌آمده است، به‌صورت عام برای مناطق مرزی به سبب معلوم نبودن سرانجام برنامه‌ها، به بار خواهد آورد. انحراف نیروهای انسانی در مناطق مرزی از مسیر خودشکوفایی در نتیجه اخذ سیاست‌های توسعه‌ای ناکارآمد در طی سالیان متمادی بوده است.

### مدیریت مصلحتی برنامه‌ها در مناطق مرزی

بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش، تأسیس بازارچه‌های مرزی در این مناطق، ساماندهی معابر کولبری، کارت الکترونیکی مرزنشینان، تعاونی مرزنشینان و ... هیچ‌کدام مصداق مفهوم خود را تأمین نکرده‌اند که هرکدام یا وضعیتی را ایجاد کرده‌اند که زندگی ساکنان مناطق مرزی را دستخوش اختلال کرده است. مصاحبه‌شوندگان حاکمیت این شرایط بر وضعیت معاش و زندگی خود را نامطلوب ارزیابی می‌کنند و در غالب مواقع به دید محدودیت به آن‌ها می‌نگرند.

نبود سازوکار مطلوب و کارآمد بر رویه‌های به‌کارگیری نیروی کار در فعالیت‌های اقتصادی ساکنان مناطق مرزی، برنامه‌های اجرائی را از هدفی که برای آن عملی شده است دور کرده است. ساکنان روستاهای نقاط صفر مرزی به‌ندرت اجازه فعالیت مستمر در بازارچه‌ها و معابر رسمی کولبری را می‌یابند و به‌عبارت‌دیگر نقش و وظیفه‌ای که بتواند وضعیت آن‌ها را تا حدودی ساماندهی کند، غیرقابل تعریف باقی‌مانده است.

تا الان من شخصاً نشنیده‌ام که تو هیچ روستایی کسی به‌عنوان کارگر بازارچه سیران بند بره اونجا کار کنه اون کسانی که کار میکنن یا بومی خود داخل شهرن یا خارج از بانه‌ان یا سقزن یا از جای دیگه میان که یه کارتی براشون صادر کرده‌ان اونام بدبخت ساعت هفت صبح تا هفت غروب ازشون کار میکشن با صد هزار تومن که صد هزار ... (قسمتی از مصاحبه با دهیار روستای بروشکانی، شهرستان بانه).

تلاش برای شرکت دادن مردم در فرایند توسعه یکی از سیاست‌هایی است که امروزه در میان بدنه دولت‌ها دارای مشروعیت فراوانی می‌باشد. مشارکت دادن شهروندان در فرایند توسعه بدون در نظر نداشتن واقعیات جامعه امکان موفقیت زیادی نخواهد داشت. دولت و نمایندگان در مناطق مرزی، بنابر آنچه از داده‌های پژوهش برمی‌آید اقدام مقتضی و قابل قبولی را در این خصوص انجام نداده است.

صنعت و معدن باید استانداری رو قبول کنه به خاطر اینکه استانداری دستش باز نباشه و ببینه چی به چیه سایتشو نداشته باشه که تکمیلش کنه مشکل براش پیش میاد فرمانداری، بخشداری هم به همین صورت تا بدونن چه خبره ... اینجوری مردمو دچار مشکل و... میشن (قسمتی از مصاحبه با یکی از شوراهای روستای قلقله، شهرستان مریوان).

عدم ثبات در اخذ تصمیمات و مدیریت غیراصولی گزینه‌هایی که برخی از مزایای آن کولبران را در

برمی‌گیرد، باعث گزینش و انتخاب راه‌هایی برای امرارمعاش و زندگی می‌شود که ریسک بسیار بالایی را متوجه جان کولبران می‌کند. شرایط جدید و متغیر ایجادشده توسط و مشخص نبودن کانال‌های باثبات کار و فعالیت، علاوه بر اینکه معیشت را همواره در مناطق مرزی استمرار می‌بخشد، موجبات تشدید واپس‌ماندگی اقتصادی را نیز تقویت خواهد نمود.

تحریک و برانگیختن ساکنان مناطق مرزی به‌منظور ارائه خدمات و تسهیلات به آنان در متن برنامه‌های اجرای وضعیت زندگی آنان را دچار بلا تکلیفی کرده است و از این طریق شهروندان را از روی آوردن به اشتغال و کسب‌وکار جدید دور نموده است.

دفترچه مرزی پشته‌ای بود برای معیشت، یارو از این ور کشاورزیش رونق پیدا میکرد، ولی الان من نوعی وقتی که دفترچه مرزی ندارم، کشاورزی کفام نمیده مجبورم برم به مرز تته برم به هر جای دیگه برم تهران برم ... (قسمتی از مصاحبه با یکی از کولبران بخش خاومیرآباد، شهرستان مریوان).

اگر برنامه‌های اجرائی با نیت برداشتن کولبری از رخسار مناطق مرزی آرایش می‌یافتند بی‌گمان به‌گونه‌ای پیش می‌رفتند که در بازه‌های زمانی مختلف این امکان وجود داشت که برای آن جایگزینی را تعریف کرد. به‌صورت مسلم دولت به‌خوبی بر این مسئله واقف است که اشتغال کولبری به‌نحوی که در مناطق غربی کشور مرسوم شده است از سر ناچاری می‌باشد، ازاین‌رو اگر اقدامات و برنامه‌هایش را در مسیری هدایت کند که مسائل بنیادی این مناطق را حل نماید، نتایج بسیار مفیدی را در پی خواهد داشت.

هیچ جایگزینی نداشته، تنها جایگزینش این بوده که مردم ازاینجا پامیشه از سر مجبوری و بیکاری میره به [معبر غیر رسمی کولبری] تته، مرز تته هم یه دونه ... نداره که مثلاً کولبری به‌عنوان رسمیت شناخته شده باشه، حتی اینم که من میگم، اون دفترچه شامل اون کسانی که به اون مرز می‌رفتن نمیشد، شامل کسانی میشد که یک: متأهل باشه حتماً، دو: کارت پایان خدمت داشته باشه، چه خریده باشه چه معاف شده باشه یا سربازی رفته باشه میدونی چی میگم.

### کارگزاران غیر متخصص بومی

یکی از متغیرهای تأثیرگذار در افزایش بهره‌وری و کارایی در مؤسسات دولتی، غیردولتی، تعاونی و... وجود نیروی انسانی کارآمد و متخصص می‌یابد. تخصص انجام امور را به سهولت مقدر می‌کند و در

پیشبرد اهداف موردنظر نقش بی‌بدیلی ایفا می‌کند، از این جهت است که در مباحث توسعه، اندیشمندان بر این نکته تأکید کرده‌اند که جنبه‌های کمی و کیفی جمعیت، خصوصاً نیروی کار و هماهنگ نمودن آن با نیازها و اهداف اقتصادی جامعه از عوامل بنیادی رشد محسوب می‌شود و بدین وسیله بر ارتباط توسعه نیروی انسانی اصرار ورزیده‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۷۵: ۵).

این پسرا همشون برای من جای احترام دادرن، شکر گرفتن، شکر ریز که با ۴۹۰۰ تقسیمش کنن، ده تن گرفتن هر خانوار باید ۵ کیلو بهش بدن قانوناً، باید چند نفر برن داخل فروشگاه [فروشگاه تعاونی مرزنشینان] برای هر تن باید ۲۰۰ نفر بره فروشگاه، برا ده تن باید دو هزار نفر بره ... ولا من ندیدم بیست سی نفر بره داخل فروشگاه میگن ولا کلاً پخشش کردیم ...

اقدامات صورت پذیرفته توسط تعاونی‌ها از نظر مصاحبه‌شوندگان، قابل قبول ارزیابی نمی‌شود و عدم تحقق مطالبات مردم پیش‌فرض‌های را دال بر خیانت آنان به مردم مطرح می‌سازد.

تعاونی مرزنشینان داریم ولی متأسفانه چندسالی که هست یعنی بیست سال بیشتر میشه مردم استفاده چندانی ازش نکردن فقط در این دوسه سال یه آمبولانس خریدن جنازه و ... باهاش حمل میکنیم تهنا استفادمون همون بوده یعنی این بیست و اندی ساله اینا هر سالی یه دسته دو سال یه دسته میرن تو تعاونی در قالب هیئت مدیره و مدیر عامل الان من نمیگم خدای نخواسته دزدی ای چیزی میکنن خلاصه درامدی آنچنانی کسب نمی‌کنن، شاید موقعیتشو نداشته باشن ولی به مردم سودی نرسانده اند کسی نه چشمش به یه تومن افتاده نه به پروژه‌ای افتاده و نه هیچ چیزی ... (قسمتی از مصاحبه با دهیار روستای سردوش، شهرستان مریوان).

لازم به ذکر است عدم اطلاع‌رسانی دقیق به مردم مرزنشین و شفاف‌سازی در مورد فرآیندهای صورت گرفته توسط کارگزاران بومی گاهاً به‌سوی پیش می‌رود که اعتماد مردم به شوراها و نمایندگان بومی مردم از بین برود. این پائین آمدن اعتماد مردم به پیامد برنامه‌هایی است که درصدد تحقق عدالت اجتماعی و عدالت فضائی و... بوده است. بدین جهت مدیریت کولبری به‌واسطه اعتماد و احترام متقابل اجتماعی و با ابزارهای اقتصادی امکان‌پذیر خواهد بود؛ این کاهش عدم اعتماد تا حدودی زیادی در نتیجه منطقی نبودن سیاست‌های اقتصادی موجود در مناطق مرزی فاقد مشروعیت می‌باشد؛

...هرکسی یه برجسپ بهمون میزنه، هست میگه بقیه شو خودشون میخورن،

خدا شاهد سه بار برای اون کار رفته باینزین خودم، با هزینه خودم، با مصرف خودم ... یارو رفته کار کشاورزی خودشو انجام داده بی اطلاع بوده کار خودشو انجام داده من رفته برای اینا جلسه و دردسر و با این اون بگومگو کردن و دل همکار خودتو برنجونو ... یارو گفته پونزده هزارم کو؟

### بسترهای توسعه نیافتگی اقتصادی-اجتماعی

کولبری مولود مستقیم شرایطی است که مرزی بودن مشخصه غالب آن می‌باشد. به عبارت دیگر اگر مرزی بودن منطقه از جغرافیای مورد بحث برگرفته شود، بدون شک کولبری نیز تهی از معنا می‌شد. اجرای برنامه‌هایی که در این مناطق به منظور توسعه آنان تدوین شده‌اند، در ظاهر قضیه سعی بر آن داشته‌اند که شرایط دشوار زندگی مرزنشینی را تا حدودی سهولت ببخشند و به واسطه آن به رشد و افزایش شاخص‌های توسعه کمک کنند، اما این برنامه‌ها در عمل (با استناد به داده‌های پژوهش) موفقیت چندانی را در بر نداشته‌اند. به این ترتیب ویژگی‌های مناطق مرزی را با در نظر گرفتن، فرهنگ و ارزش‌های بومی، جغرافیای و طبیعت این مناطق و زیرساخت‌های موجود مورد ارزیابی قرارداد.

استخراج مفاهیم، مقولات اولیه و ثانویه بسترهای توسعه نیافتگی اقتصادی-اجتماعی

مقولات ثانویه	مقولات اولیه	مفاهیم
بسترهای توسعه نیافتگی اقتصادی-اجتماعی	ویژگی فرهنگی-اجتماعی	عدم اعتقاد به تسهیلات بانکی، حاکمیت روحیه قناعت در مناطق مرزی، عادت به دریافت آبی مزد،
	طبیعت و جغرافیای مناطق مرزی	مشابهات اقلیمی با کردستان عراق، کوهستانی بودن طبیعت مناطق مرزی
	فقدان زیرساخت‌های اقتصادی-اجتماعی تولید	کمبود سرانه اراضی کشاورزی، عدم کفایت زیرساخت‌های حمل و نقل جاده‌ای، عدم تناسب محیطی با فعالیت‌های اقتصادی، تبعات بازارچه، عدم سرمایه‌گذاری، نیروی انسانی

### ویژگی‌های دینی و فرهنگی

کسی تو این منطقه وام نمیگیره، میگن کارمزدیه و حرامه... آگه برای مردم آسانکاری بشه مشارکت می‌کنن، یعنی حداقل زیرساخت‌ها رو درست کنن، مثلاً آب و گاز و برق رو برامون تأمین کنن بدون مشکل... (قسمتی از مصاحبه با

یکی از کولبران بخش خاومیرآباد، شهرستان مریوان).

حذف سود بانکی در مناطق اهل سنت به‌عنوان یکی از راه‌های اخذ تسهیلات توسط ساکنان مناطق مرزی می‌تواند تا حدود زیادی معیشت کولبری را به یک معیشت غیر کاذب و رسمی تغییر وضعیت بدهد.

مشروعیت کولبری در میان مرزنشینان ناشی از اوضاع موجود می‌باشد. وضعی که عدم اشتغال و بیکاری آن را بیش از هر امر دیگری توضیح می‌دهد. نبود اشتغال مناسب در این مناطق انتظارات اجتماعی و... را تابع خویش کرده است. چنین پنداشتی هم در جاهایی که بتوان مدیریت کولبری را به‌واسطه آن در نظر گرفت، با شکست مواجه خواهد بود.

### طبیعت و جغرافیای مناطق مرزی

... کشاورزی هم نیست، یارو یه ساعت برات شخم میزنه هفتاد هزار، زمینم نداره زمینشم کمه، همش کوه و کمره خودتم که میدونی، زمین دشت نداره که بگی آقا من زمینمو زیرکشت گندم می‌یرم باهاش زندگیمو میچرخونم... زنبورداری اینجا جواب نمیده... جا براش کمه دامداری هم به همین صورت... (مصاحبه با یکی از شوراهای روستای خوری آباد، شهرستان بانه).

مشابهت اقلیم مناطق مرزنشین با مناطق هم‌جوار کردستان عراق و مشابهت در تولیدات کشاورزی و زمان بهره‌برداری آن یکی دیگر از محدودیت‌هایی بوده است که مدیریت کولبری با تأکید بر پتانسیل‌های مبتنی بر کشاورزی را از نظر معتمدین محلی، کولبران، دهیارها و شوراهای مشکل و دشوار جلوه‌گر می‌کند.

### فقدان زیرساخت‌های اقتصادی-اجتماعی تولید

شهرستان بانه و حومه‌شو جمع کن همشون رویهمرفته ۱۰ هکتار [سطح زیرکشت] گندم داشته باشیم... نداریم... خیلی خیلی باشه دو هکتار سه هکتار میشه (قسمتی از مصاحبه با یکی از عوامل بازارچه سیرانند، شهرستان بانه).



بازارچه‌ها تاکنون نتوانسته‌اند در ایجاد اشتغال پایدار فراگیر در مناطق مرزی گام مثبتی را بردارند. یکی از تبعات بازارچه برای مناطق مرزی تخریب زیرساخت‌های حمل‌ونقل جاده‌ای و بالابردن حجم راه‌بندان و ترافیک در مسیرهای ارتباطی شهرستان‌های مرزی بوده است.

### سیاست‌های پردگرایانه

کنترل و نظارت یک مقوله مدیریتی محسوب می‌شود که اعمال آن در مناطق مرزی (بر اساس داده‌های پژوهش) سمت‌وسوی منحصر به خود را دارا می‌باشد. هر منطقه جغرافیایی از کشور یا نواحی مختلف شهرها به دلیل تنوع شرایط اجتماعی، اقتصادی، ساخت‌وساز، کمیت و کیفیت خدمات عمومی و... تفاوت‌های چشمگیری دارند.

استخراج مفاهیم، مقولات اولیه و ثانویه سیاست‌های پردگرایانه

مقولات ثانویه	مقولات اولیه	مفاهیم
سیاست‌های پردگرایانه	پردشدگی نهادی	ضعف عملکرد نهادهای اجرایی، پائین بودن پاسخگویی در مقابل مردم، عدم تعامل کافی و جلب مشارکت‌های مردمی، عدم درک متناسب از واقعیات شهرهای مرزی، عدم به‌کارگیری نیروهای محلی در بازارچه‌ها، عدم وجود حمایت‌های اجتماعی برای مرزنشینان و کولبران

### امنیتی سازی مفرط

عملکرد نیروهای امنیتی که وظیفه تأمین امنیت در مناطق مرزی را عهده‌دار می‌باشند، جائیکه به کولبری ربط پیدا می‌کند در قالب مرزبانی تبلور می‌یابد. مرزبانی اغلب و به‌سادگی به معنای گشت زنی برای اطمینان خاطر نسبت به آرامش و امنیت مرز تعبیر می‌شود، هدف اصلی از آن، پیشگیری از تردد غیرقانونی، همچنین قاچاق اسلحه و عبور عوامل خرابکار است (رحمانی فضلی و سعیدی، ۱۳۹۴: ۱۸).

...همین هفته گذشته دو نفر از بانه کشته شدن همونایی که تو مرز کار

میکردن (قسمتی از مصاحبه با یکی از شوراهاى بخش نور، شهرستان بانه).

## طردشدگی نهادی

تاون کارت سوختم به دفعه یه میلیون اومده، یه دفعه ۶۰۰ هزار چن دفعه ای هم دویست و صد و هفتاد و ... همه خدمات و همه چیز همه ارگان‌هاییه که تو میشناسی برای مردمان کولبر (قسمتی از مصاحبه با یکی از شوراهای روستای دمیوه، شهرستان سروآباد).

نگاه عاملان دولتی به منطقه مورد مطالعه برگرفته از پنداشته‌های غیرواقع‌بینانه‌ای است که سنخیت معناداری با واقعیات مناطق مرزی ندارد. این نوع نگاه منجر به اخذ سیاست‌های ناعادلانه اقتصادی و به تبع آن نزول کیفیت زندگی ساکنان مناطق مرزی می‌شود. دولت در این معنا به جای آنکه گزینه‌هایی را برای تحقق توسعه مناطق مرزی در نظر بگیرد، مواجهه‌ای غیر کارشناسانه و غیرواقعی اعمال می‌کند.

### به حاشیه رانی ظرفیت‌های جایگزین توسعه

جایگزینی توسعه محلی و مبنای بر ظرفیت‌های توسعه‌ای به جای اشتغال کولبری با توجه به دیدگاه جامعه‌ی نمونه پژوهش که متشکل از دهیاران، کارکنان بازارچه‌های مرزی، کولبران، اعضای شوراهای اسلامی، افراد آگاه محلی، معتمدین روستایی بوده است بر مواردی چون تأسیس کارخانه، تأسیس صنایع تبدیلی، احداث دامداری، تأسیس مناطق آزاد تجاری، صنعت گردشگری، صنایع دستی و... تأکید شده است. مناطق مرزنشین دارای ظرفیت‌های متعددی هستند که نیازمند توجه و سرمایه‌گذاری‌اند.

استخراج مفاهیم، مقولات اولیه و ثانویه به حاشیه‌رانی ظرفیت‌های جایگزین توسعه

مقولات ثانویه	مقولات اولیه	مفاهیم
به حاشیه‌رانی ظرفیت‌های جایگزین توسعه	محدودیت‌های فعالیت صنعتی	قوانین و مقررات محدودیت‌ساز، نگاه امنیتی به پروژه‌های صنعت‌محور، فقدان تسهیلات، فقدان سرمایه‌گذاری
	رویکرد تقلیل‌گرایانه به تجارت و بازرگانی	محدودیت‌های فعالیت در بازارچه، تقلیل کارکردهای بازارچه‌ها،
	افول فعالیت‌های کشاورزی	عدم سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی و دامداری عدم رغبت به استفاده از منابع زمین شرایط توپوگرافی تصرف زمین توسط زمین‌خواران و هنگ مرزی ممانعت نهادی و سازمانی در تولید

### محدودیت‌های فعالیت‌های صنعتی

برای تأسیس کارگاه باید پول داشته باشی، دولت باید حمایت کنه اگه بخوای این کارو بکنی دولت پشتتو بگیره وام بهت بده [که] سود نداشته باشه، یا اگه داشت سودش کم باشه ... الان [وام‌ها] انقد سودشون زیاده آدم نمیتونه بگیره، وگرنه اگه کسی بیاد یه دامداری [صنعتی] تأسیس کنه، براش می‌سرفه... پونزده بیست نفر آدم اونجا می‌تونن کار کنن ... (قسمتی از مصاحبه با یکی از شوراهای روستای اورامان، شهرستان سروآباد).

### افول فعالیت‌های کشاورزی و دامداری

یکی از مسائلی که مهم است تأثیرات مرز و بازارچه است که مانع رغبت ساکنان به کشاورزی و دامداری شده است. در سال‌های قبل از بسته شدن بازارچه‌های موقت و کولبری درآمد اصلی مناطق مرزنشین موردنظر از این راه تأمین می‌شد و درآمد آنی، کافی و بدون سرمایه‌گذاری‌ای را برایشان فراهم نموده بود. این ذهنیت چنان در ذهن ساکنان رسوخ کرده است که تمایل چندانی به کشاورزی و دامداری و... ندارند.

صادرات بیشترین فعالیتی هست که ما هم‌اکنون انجام می‌دهیم... آن‌هم تابع سیاست‌هایی است که از بالا اعمال می‌شود... بازارچه الان بیشتر سوخت، مصالح ساختمانی و میوه‌جات در آن صادر می‌شود... (قسمتی از مصاحبه با کارمند در بازارچه مرزی باشماق مریوان).

یکی از مهم‌ترین مسائل در رابطه با عدم سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و اقتصاد، رابطه نگاه امنیتی با تجارت مرزی و تأسیس کارگاه‌ها و کارخانه‌ها در این مناطق است. این امر در عدم تمایل به سرمایه‌گذاری نشان داده است. از سویی دیگر متولی همه‌ی بخش‌های اقتصادی در مرزها دولت است و راه‌های سرمایه‌گذاری با قبض و بسط نگاه‌ها و سیاست‌های دولتی گره‌خورده است. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در این رابطه در مریوان و بانه صورت گرفته است، ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در بانه و مریوان است.

در بانه که واقعاً میزان سرمایه‌گذاری در بخش تولیدی و صنعتی خیلی کمه فقط موردی که هست کارخانه لامپ‌سازی است که چند سالی دایر شده است. به دلیل سود ناشی از تجارت مرزی، سرمایه‌گذاران تمایل دارن که در بخش تجارت مرزی (دلالی) فعالیت داشته باشند یا اینکه سرمایه‌ی خودشون رو ببرن شهرهای دیگه ایران... این پروژه منطقه ویژه اقتصادی هم که دایر کردن چند سالی است که رها شده و فکر نکنم تاثیری در تولید و صنعت داشته باشد

### مقوله هسته: بازتولید توسعه‌نیافتگی به میانجی تداوم پدیده کولبری

استخراج مقوله هسته مصاحبه‌های پژوهش

مقوله هسته	مقولات ثانویه	مقولات اولیه
بازتولید توسعه‌نیافتگی به میانجی تداوم پدیده کولبری	فقدان برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی توسعه‌محور	ناپایداری برنامه‌های اجرایی
		مقطعی بودن برنامه‌های اجرایی
		فقدان وحدت رویه اجرایی
		اختلال مناسبات و تعاملات اجتماعی
		کاهش سطح شاخص‌های توسعه انسانی
		مدیریت مصلحتی مناطق مرزی
	بسترهای توسعه‌نیافتگی اقتصادی - اجتماعی	کارگزاران غیرمتخصص بومی
		ویژگی فرهنگی - اجتماعی
		طبیعت و جغرافیای مناطق مرزی
	سیاست‌های پردگرایانه	فقدان زیرساخت‌های اقتصادی - اجتماعی تولید
		امنیتی کردن مفرط
	به حاشیه راندگی ظرفیت‌های جایگزین توسعه	پردشدگی نهادی
		محدودیت‌های فعالیت صنعتی
		رویکرد تقلیل‌گرایانه به تجارت و بازرگانی
		افول فعالیت‌های کشاورزی

### عوامل مداخله‌گر

عوامل مداخله‌گر نسبت به سایر عوامل و شرایط دیگر دارای وسعت به نسبت بیشتری هستند که در پدیده محوری یعنی «بازتولید توسعه‌نیافتگی به میانجی تداوم پدیده کولبری» فقدان برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی توسعه‌محور و سیاست‌های پردگرایانه می‌باشند. که در ادامه به تفکیک گدهای باز تشریح شده است.

### الف) فقدان برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی توسعه‌محور

توسعه‌نیافتگی غالباً محصول شرایطی است که «برنامه» در آن فاقد مصداق عینی و عملکردی می‌باشد. این حالت به‌صورت مسلم به‌غیراز توسعه‌نیافتگی نمی‌تواند مصداق دیگری داشته باشد. برنامه‌های اجرایی در مقام یک ذهنیت توسعه‌خواه تفاوت‌های بی‌شماری با عینیت آن در مناطق مرزی و خصوصاً وضعیت ساکنان آن دارد. زواردرفتگی وضعیت موجود منافات زیادی با آنچه برنامه به آن اطلاق می‌شود دارد.

### ب) سیاست‌های طردگرایانه

نظام مدیریت سیاسی و برنامه‌ریزی حاکم به‌خوبی به این مسئله واقفانند که مرزها، منبع مهم معیشت بسیاری از ساکنان مناطق مرزی است و عدم‌کفایت سایر منابع نیز وابستگی مرزنشینان به مرز را تشدید کرده است

### عوامل زمینه‌ای

عوامل زمینه‌ای که مجموعه‌ای از ویژگی‌های است که به یک پدیده ویژه دلالت می‌کند و محل وقوع و اتفاق مرتبط با پدیده محوری می‌باشد که در آن کنش متقابل برای پاسخ، اداره و کنترل پدیده صورت خواهد گرفت. شرایط زمینه‌ای که موجب پیدایی مقوله محوری شده است مقوله بسترهای توسعه‌نیافتگی اقتصادی - اجتماعی به شرح جدول زیر می‌باشد.

عوامل زمینه‌ای در شکل‌گیری پدیده محوری

کدهای باز	مقوله	عوامل زمینه‌ای
ویژگی فرهنگی - اجتماعی	بسترهای توسعه‌نیافتگی اقتصادی - اجتماعی	
طبیعت و جغرافیای مناطق مرزی		
فقدان زیرساخت‌های اقتصادی - اجتماعی تولید		

### الف) بسترهای توسعه‌نیافتگی اقتصادی - اجتماعی

زیرساخت‌های موجود در مناطق مرزی عاری از کفایت و کارایی لازم به‌منظور بستری برای فعالیت‌هایی جایگزین کولبری می‌باشند. این زیرساخت طی سالیان مدید از یکسو در خدمت فعالیت‌ها و خدماتی بوده‌اند که به‌نوعی تحقق توسعه منطقه‌ای را مانع شده‌اند و از سوی دیگر به دلایل امنیتی استفاده از آن‌ها گریبان گیر محدودیت بوده است.

## عوامل علی

عوامل علی دربرگیرنده‌ی مقولاتی است که به صورت مستقیم بر بازتولید توسعه نیافتگی به میانجی تداوم پدیده کولبری تأثیرگذار بوده است و به گونه‌ای عمل کرده است که ایجاد و توسعه پدیده کولبری را باعث شده‌اند. از این عوامل یا شرایط برخی از اوقات شرایط عوامل پیشگام یا مقدم نیز نام برده می‌شود. عوامل علی پدیده‌ی موردنظر «به حاشیه راندگی ظرفیت‌های جایگزین توسعه می‌باشد که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است.

### عوامل علی در شکل‌گیری پدیده محوری

مقوله	کدهای باز	
عوامل علی به حاشیه راندگی ظرفیت‌های جایگزین توسعه	محدودیت‌های فعالیت صنعتی	
	رویکرد تقلیل‌گرایانه به تجارت و بازرگانی	
	افول فعالیت‌های کشاورزی	

### الف) به حاشیه راندگی ظرفیت‌های جایگزین توسعه

فعالیت‌های صنعتی در مناطق مرزی در عمل جایگاهی ندارد و به عبارت دیگر در این مناطق صنعت در مقامی که توانسته باشد بخشی از توانمندی‌های انسانی و طبیعی را به وجه معناداری به خود اختصاص بدهد را تجربه نکرده است. وضعیت موجود مناطق مرزی از نظر میزان عملکرد فعالیت و عملکرد مجتمع‌ها، مؤسسات، بنگاه‌ها و کارگاه‌های صنعتی به مقدار و اندازه‌ای نیست که مسیر نیروهای انسانی و طبیعی منطق را مشخص کرده باشد. فعالیت‌های صنعتی در این مناطق محدود به واحدهای کوچک مقیاس در سطح محلی می‌باشند که در وضعیت موجود به صورت مطلق توان پذیرش نقش منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را نخواهند پذیرفت. بر این اساس بخش صنعت مناطق مرزی در وضعیت کنونی به سبب وجود محدودیت‌های سیاسی - امنیتی، اقتصادی و... دارای توان جایگزین شدن با معیشت کولبری را نخواهد داشت.

### بخش سوم: بررسی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های توسعه‌ای مناطق مرزی

توسعه سرزمینی از جمله مقولاتی است که در برهه‌های مختلف، بر اساس مقتضیات هر دوره با

رویکردهای متفاوتی مورد توجه سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران قرار گرفته است. در عصر حاضر نیز ضرورت توجه به کاهش نابرابری‌ها و گسترش عدالت سرزمینی در بستر گفتمان عدالت محور موجود در سطح جامعه اهمیت مباحث توسعه سرزمینی را دوچندان کرده است. روند توسعه در مناطق و استان‌های کشور، در اثر ناکارآمدی نگرش‌های بخشی، منجر به شکل‌گیری چند قطب رشد و به حاشیه رفتن برخی مناطق و نواحی مستعد و در کلامی گویاتر بروز عدم تعادل‌های گاه فاحش در سرزمین و در نهایت ایجاد تمرکز جمعیت و فعالیت به شکلی نامتوازن شده است. چنین دیدگاه‌هایی به‌طور بدیهی در قبال ظرفیت‌سازی‌های پرهزینه در قطب و ایجاد اشتغال‌های القایی در آن مناطق و گسیل نیروی بیکار مانده عملاً به نابارور ماندن پتانسیل‌های حاشیه‌ها، مهر تأیید زده است.

### جایگزین‌هایی معیشت کولبری از نگاه نخبگان، معتمدین و کارگزاران محلی

توسعه سرزمین بر اساس توجه به منابع طبیعی و انسانی موجود در آن امری گریزناپذیر در نظر گرفته می‌شود، چنین مسئله‌ای با توجه به اینکه، رونق منابع طبیعی با افزایش ناگهانی و یک‌باره درآمد ارضی به‌صورت برون‌زا، باعث بروز مازاد در تراز پرداخت‌ها و افزایش تقاضای کل می‌شود (همان: ۱۸۵).

مقولات اولیه و ثانویه جایگزین‌هایی معیشت کولبری از نگاه نخبگان محلی

مقولات ثانویه	مقولات اولیه	مفاهیم
ظرفیت‌های جایگزین توسعه به‌واسطه‌ی منابع موجود	توسعه خدمات	احداث خانه‌های بوم‌گردی و پارک‌های گردشگری،
	توسعه مبادلات و تجارت	ایجاد منطقه آزاد تجاری، معاف کردن صنایع از مالیات،
	توسعه صنعتی به‌واسطه‌ی فعالیت‌های کشاورزی و جانبی آن	گسترش صنایع کوچک، جذب سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی، تأسیس کارخانه‌های صنایع تبدیلی، تأسیس کارگاه‌های کوچک‌مقیاس، مدیریت منابع آب، توسعه صادرات

### توسعه خدمات

فراهم نمودن زمینه توسعه بخش خدمات بر اساس توانمندی‌های محدوده مورد بحث می‌تواند بسترهای کاهش گرایش به معیشت کولبری را به دنبال داشته باشد. بخش خدمات، در طبقه‌بندی اقتصادی

فعالیت‌ها، دارای گروه‌های فعالیتی متنوعی نظیر: حمل‌ونقل و انبارداری، اطلاعات و ارتباطات، فعالیت‌های مالی و بیمه، املاک و مستغلات، فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی، فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی، هنر، سرگرمی و تفریح، آموزش، فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا، فعالیت‌های عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری، فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی و... (برنامه راهبردی توسعه بخش خدمات، ۱۳۹۴)، می‌باشد.

برنامه‌ریزی برای ایجاد پارک‌های تفریحی، ایجاد فضاهای بوم‌گردی یا هر چیز دیگری ما بیایم ببینیم تو روستاها برنامه‌های درازمدت برایش بزاریم که گردشگر میاد هدایتشون کنیم به اونجاها آگه این کارا انجام بشه خیلی خوبه... اعتبارهای ویژه برای گردشگری روستاهای حاشیه دریاچه بزارن... (قسمتی از مصاحبه با دهیار روستای پیرصفا، شهرستان مریوان).

### توسعه مبادلات و تجارت

اشاره به این ظرفیت ناشی از نقشی است که مناطق مرزی در دهه‌های اخیر به‌واسطه‌ی بازارچه‌های مرزی و فعالیت‌های مرتبط با آن در مرز داشته است. بر این اساس واقع‌شدن در مرز یک نقطه‌ی مثبت ارزیابی می‌شود و آن‌گونه که از داده‌های موردبررسی برمی‌آید منطقه‌ی آزاد تجاری مسبب وضعیتی خواهد بود که در آن معیشت کولبری به‌عنوان یک اشتغال کاذب از بین خواهد رفت. تأسیس منطقه‌ی آزاد تجاری باعث افزایش تعاملات اقتصادی در منطقه خواهد شد و همین امر تقویت سایر بخش‌های اقتصادی در حجم وسیعی را در پی خواهد داشت.

به بهره‌برداری رساندن منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی براستی ... تنها عاملی که می‌تونه اینجا پیشرفت کنه... اون مرز سیرانبد آگه تردد درش فعال بشه قطعاً رفت‌وآمد مسافرای خارجیش بیشتر میشه قطعاً به دنبال خودش سرمایه‌گذار جذب میکنه، سرمایه‌گذار میاد از اینجا عبور میکنه و مبینه.

### توسعه صنعتی به‌واسطه‌ی فعالیت‌های کشاورزی و جانی آن

بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که رشد و توسعه بخش صنعت، زمینه رشد و توسعه سایر بخش‌ها



را مهیا می‌سازد. بدون رشد و توسعه صنعت، عوامل و نهاده‌های لازم برای توسعه سایر بخش‌ها فراهم نمی‌گردد و محصولات و خدمات تولیدی بخش‌ها نمی‌تواند حداقل با سهولت لازم به بازار عرضه گردد (موسوی و دیگران، ۱۳۹۶). ماهیت صنعت به‌گونه‌ای است که مبنای تقسیم‌بندی‌های مربوط به توسعه را تعریف می‌کند، به‌عبارت‌دیگر استعمال اصطلاحاتی چون کشورهای پیشرفته صنعتی در ترادف با کشورهای توسعه‌یافته نمونه‌ای از اهمیت و ارزش صنعت در حیات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... جوامع است.

طرح‌های نیمه‌صنعتی هم... [خوبه] الان واقعاً جوانای مردم بیکارن چه میدونم ... یه چیزی صنعتی کارخانه‌ای چیزی که اینجا بتونه جواب بده که بتونه پنجا نفر جوانو سرکار ببره واقعاً بیست نفرم که شد در حد این آبادی ما کافیه اگه تو همه روستاهای این بخش مثلاً بیست مکان اینجوری داشته باشه بالای هزار نفر سرکار میره و چیزی در حد بیکاری کم میشه و وابستگی به مرز هم کم میشه (قسمتی از مصاحبه با یکی از شوراهای روستاهای دزلی، شهرستان سروآباد).

### وضعیت اشتغال مناطق مرزی مورد مطالعه

اشتغال کاذب در زمینه معیشت کولبری در مناطق مرزی استان کردستان تا حدود زیادی آمارهای اشتغال محدوده‌های مرزی را تحت تأثیر قرار داده است. این آمارها به‌نوعی طراحی شده‌اند که رسمی یا غیررسمی بودن فعالیت‌ها همچنین کاذب و واقعی بودن اشتغال را مدنظر قرار نداده‌اند، از این رو نرخ بی‌کاری جمعیت در سکونت‌گاه‌های مرزی به مراتب فراتر از مستندات موجود در گزارش‌های آماری رسمی می‌باشد، اشاره به این نکته از آن رو ضروری است که در بحث از ظرفیت‌های عمومی و اشباع آنان به نفع توسعه مناطق مرزی در هنگام تدوین هر برنامه‌ای واجد اهمیت می‌باشد. یکی دیگر از ظرفیت‌های واقعی جمعیت محدوده مورد مطالعه، به‌کارگیری این جمعیت در جهت توسعه بازارهای با مبنای اشتغال خانگی و روستایی دارای اهمیت فراوانی می‌باشد و می‌توان بر مبنای برنامه‌های مقتضی سمت‌وسوی معیشت کولبری را به سمت چنین بازارهایی هدایت نمود.

### پتانسیل‌های جایگزین معیشت کولبری در بخش صنعت و معدن محدوده مرزی

به‌گونه‌ای که نشان داده شد، وضعیت حاضر شهرستان‌های محدوده مرزی مورد بحث از لحاظ بخش صنعت و معدن، مناسب نمی‌باشد. این عدم مناسبت به معنای فروگذاری پتانسیل‌های موجود در محدوده نبوده، بلکه لزوم توجه به این بخش به‌عنوان یک از بخش‌های مهم و اشتغال برانگیز در شهرستان دارای اهمیت بسیار زیادی می‌باشد. به‌صورت کلی می‌توان یکی از محرکات معیشت کولبری را ضعف بخش و معدن و عدم استفاده از ظرفیت‌های واقعی آن جستجو نمود. تحریک بخش صنعت شهرستان‌های مرزی مورد مطالعه به‌عنوان یکی از الزامات اساسی تحقق توسعه اجتماعی و اقتصادی درگرو هماهنگی‌های لازم در سطوح منطقه‌ای و ملی می‌باشد. این امر با در نظر گرفتن توان‌های متعدد محدوده مورد نظر از نظر تولیدات کشاورزی، دامی و زراعی اهمیتی دوچندان می‌یابد.

### ظرفیت‌های جایگزین صنعتی، خدماتی و گردشگری

به‌صورت کلی علاوه بر گردشگری بخش خدمات مناطق مرزی نیز نسبت به توانمندی‌های عمومی محدوده مورد مطالعه روایت قابل توصیفی ندارد. این وضعیت با در نظر گرفتن خدمات به‌عنوان جایگزین معیشت کولبری مدنظر می‌باشد، چراکه نیازهای داخلی و روزمره ساکنان مناطق و پهنه‌های مرزی در نسبت با خدمات (به‌ویژه خدماتی که از جانب بخش خصوصی ارائه می‌شود) موجود در مناطق مرزی پوشش نامطلوبی ندارند. وضعیت فعلی بخش صنعت و معدن نیز با اتکا به سیاست‌های موجود توان محقق نمودن زمینه‌های جایگزین معیشت کولبری را ندارند. وضعیتی که تا به امروز بر مناطق مرزی و محدوده مورد بحث حاکم بوده است از نظر تسهیم نمودن ساکنان مناطق مرزی در اشتغال موفقیت چشمگیری نداشته است.

### ظرفیت‌های جایگزین: حلقه مفقوده سیاست‌گذاری‌های توسعه

ظرفیت‌ها و توانایی‌های عمده‌ی مناطق مرزی به دلایل متعددی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این توانمندی‌های طبیعی و انسانی به‌صورت مشخص در قالب سه دسته‌ی عمده قابل طبقه‌بندی می‌باشند. دسته‌ی نخست ظرفیت‌هایی هستند که به‌صورت طبیعی در محدوده‌ی مورد نظر جای گرفته‌اند و جغرافیای منطقه آن‌ها را در دوره‌های مختلف و متوالی زمین‌شناسی تعریف کرده است؛ دسته دوم ظرفیت‌هایی می‌باشند که به‌واسطه‌ی قرار گرفتن محدوده‌ی مورد بررسی در مرز وجود پیدا کرده‌اند و در

بستر شرایط تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و. شکلی را یافته‌اند که ما امروزه شاهد آن هستیم؛ دسته سوم ظرفیت‌هایی هستند که در نتیجه تعامل دسته نخست با دسته دوم به‌عنوان ویژگی منطقه تعریف شده‌اند. کلیت این ظرفیت‌ها (با توجه به آنچه تاکنون مورد بررسی قرار گرفت) توان مناسبی را در جهت تحقق توسعه اجتماعی و اقتصادی در منطقه‌ی مورد بررسی دارا می‌باشند.

### بخش چهارم: تحلیل سوات و استراتژی‌های توسعه مناطق مرزی کردستان

کاربست روش سوات در مطالعه‌ی حاضر تدوین راهبردهایی است که به‌صورت مستقیم جایگزین مناسبی را برای معیشت کولبری بر اساس توانایی‌ها و قابلیت‌های مناطق مرزنشین کردستان به دنبال داشته باشد و به‌تبع آن زمینه‌ها و بسترهای نیل به توسعه پایدار فراهم گردد.

### تحلیل استراتژی بخش کشاورزی، باغداری و دامداری مناطق مرزی

فعالیت‌های کشاورزی، باغداری و دامداری به‌صورت سنتی بخش جدایی‌ناپذیر استان کردستان و مناطق مرزی بوده است، معیشت در مناطق مرزی قبل از شیوع کولبری در معنایی که امروزه با چالش‌هایی بی‌شماری روبروست زراعت، باغداری و دامداری (به استناد یافته‌های میدانی پژوهش) بوده است. برنامه‌ریزی در جهت افزایش واحدهای صنعتی کشتار دام باهدف بخشیدن نقش فرامحلی و منطقه‌ای به زنجیره فعالیت‌های دام و طیور در مناطق مرزی، برنامه‌ریزی در جهت برانگیختن جوانان بیکار به سمت فعالیت‌های تولیدی در بخش کشاورزی، دامداری و باغداری به‌صورت صنعتی و نیمه‌صنعتی با ابزار اعطای تسهیلات اعتبار کم سود، نیز هم‌تراز با راهبردهای مطرح‌شده واجد اهمیت می‌باشد. این راهبردها با آگاهی از ظرفیت‌های موجود در محدوده‌ی مرزی به دنبال تنوع‌بخشی به فعالیت‌های کشاورزی، دامداری و باغداری و هدایت آن به جهتی می‌باشد که از طریق آن توسعه اجتماعی و اقتصادی محقق گردد.

### تحلیل استراتژی بخش گردشگری مناطق مرزی

پیرامون گردشگری به‌عنوان یک صنعت دوستدار محیط‌زیست و... توجهات نظری فراوانی وجود دارد که در این اینجا لازم به تکرار چنین مکرراتی احساس نمی‌شود. توسعه مناطق مرزی استان کردستان بر

پایه توسعه صنعت گردشگری به ظاهر یکی از راهبردهای جدی و موردتوجه صاحب‌نظران توسعه در استان کردستان می‌باشد.

عدم وجود برنامه‌هایی که واقعیات و ظرفیت‌های محدوده مرزی موردبحث مناسبت داشته باشد نیازمند اخذ و تدوین برنامه‌ها و طرح‌های توسعه گردشگری با تمرکز بر انواع مختلف گردشگر بعد از انجام مطالعات میدانی عمیق و گسترده به‌منظور شناسایی افراد و گروه‌هایی که مناطق مرزی را به‌عنوان هدف گردشگری خود انتخاب نموده‌اند. می‌باشد. بر این اساس نتیجه حاصل از مطالعات تخصصی در این زمینه می‌تواند ابزار سودمندی برای اهداف مطلوب موردنظر باشد. از آنجایی که وضعیت موجود در مناطق مرزی تا حدود بسیار زیادی حاصل عدم توجه به پتانسیل‌های آن بوده است، برای این وضعیت نیاز است تا تخصیص اعتبارات ملی به‌منظور تقویت پتانسیل‌های گردشگری موجود در مناطق مرزی و حذف نگاه امنیتی در ساختار برنامه‌ریزی کلان صورت بگیرد. عدم کفایت زیرساخت‌های مناطق مرزی موجبات عدم تحقق توسعه در تمامی بخش‌های آن را باعث می‌شوند، از این رو می‌توان تقویت جریان‌های اقتصادی فرا منطقه‌ای به سمت مناطق مرز نشین بعد از بهینه‌سازی زیرساخت‌های ضروری ارتباطی به‌منظور گسترش بازارهای گردشگری در مناطق توسعه‌نیافته مرزی استان کردستان را ذیل یک راهکار دفاعی مطرح نمود.

### بحث و نتیجه‌گیری

یکی از ضرورت‌های توجه به مسئله‌ی کولبری در جغرافیای مرزی کردستان، وجود و تنوع توانمندی‌هایی است که می‌توانند به‌مثابه‌ی یک جایگزین اساسی معیشت کولبری، موضوع طرح و برنامه‌های توسعه قرار بگیرند. مناطق مرزی خاستگاه بسیاری از مسائل و موانعی است که مسیر رسیدن به توسعه را مسدود نموده است. این موانع به ذات خود با اهداف توسعه در تمامی سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی مغایرت‌های زیادی را باعث شده‌اند که به سهولت قابل‌شناسایی نبوده و نیازمند مطالعات تخصصی بیشتری در این حوزه می‌باشد. مطالعات و بحث‌های کارشناسی صورت گرفته در این حوزه با فروکاست مسائل مرزی به‌مثابه‌ی یک امر اقتصادی از برآیندها و تبعات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... عامل مانده‌اند. ناصواب بودن چنین اقداماتی وارونه بودن درک عمومی از مسائل موجود در مناطق مرزی را موجب شده است و همین نوع نگرش خصلت عمومی خود را در برنامه‌ها و تدابیر مختلف جهت رفع نواقص و موانع بازایی نموده است، از این رو ضرورت توجه به یافتن جایگزین‌هایی که نواقص برنامه‌های پیشین را نداشته باشد، احساس می‌شود.

سخن از برنامه‌های جایگزین معیشت کولبری بر اساس توان‌های متعدد موجود در این مناطق سخن تازه‌ای به نظر نمی‌رسد و اقدام به چنین امری نیز نه تنها در قامت برخی از برنامه‌های اجرائی موردعنايت بوده است، در ذهن و اندیشه جامعه کولبران نیز مورد توجه و تفکر بوده است. در این معنا پرهیز از منفعل نشان دادن ساکنان مناطق مرزی به عنوان جامعه‌ی هدف برنامه‌ها امری بایسته و ضروری می‌باشد که کمتر مورد توجهی اصحاب تدوین و تهیه برنامه‌ها بوده است. حاکمیت شرایط ساختاری در این میان به تولید و بازتولید هرچه فراتر چنین ذهنیتی دامن زده است. بنابراین از میان برداشتن چنین طرز برداشت‌ها و نگرش‌هایی نیازمند جایگزینی معیشت کولبری از مناطق مرزی و اندیشه در باب پتانسیل‌ها و ظرفیت‌هایی می‌باشد که محقق کننده توسعه به حساب می‌آیند.

کارگزاران بومی محلی به دلایلی چون عدم وجود بنیان‌های آموزشی و پرورشی مناسب رسمی، عدم وجود نظارت‌های همگانی و پاره‌ای موانع ساختاری، نتوانسته‌اند نقش مؤثری را در توسعه مناطق مرزی و به تابع آن گامی مفید و اساسی در راستای جایگزینی معیشت کولبری بردارند. اشاره به نقش کارگزاران بومی در توسعه مناطق مرزی از آن رو مورد تأکید بوده است که برنامه‌های اجرائی چنین مصلحتی را برای آنان فراهم نموده است و مولد اصلی چنین اندیشه‌ای بوده است. این کارگزاران در راستای تحقق توسعه و به‌کارگیری ابزارها و پتانسیل‌های موجود در مناطق مرزی فاقد هرگونه ابتکار عمل بوده و نتوانسته‌اند به تولید شرایطی کمک کنند که در آن معیشت کولبری به‌عنوان یک اشتغال کاذب برخی از ساکنان مناطق مرزی مؤثر واقع گردد.

پیشنهادها و راهکارهای تقویت ظرفیت‌های توسعه‌ای جایگزین کولبری

بخش	پیشنهاد و راهکار
بخش صنعت	اخذ فناوری ساخت تولیدات صنعتی بر اساس منابع و فرآورده‌های خام و نیمه‌خام در مناطق مرزی
	همچنین احداث کارخانه‌ها و صنایع وابسته به مواد اولیه کشاورزی، دامپروری و معادن موجود
	آموزش‌های مبتنی بر مهارت‌آموزی و دانش‌افزایی در راستای فعالیت‌های صنعتی
	تغییر مسیر بودجه‌های دولتی و یا اختصاص درصد بیشتری از آن به توسعه بخش صنعت جهت تقویت و توسعه زیرساخت‌های صنعتی
	ممانعت از ورود کالاهایی که تولید آن در مناطق مرزی امکان‌پذیر می‌باشد زیر نظر نیروی انتظامی
	تأمین عوامل تولید از طرف نیروی انتظامی برای احداث صنایعی چون تولیدات دامی و کشاورزی در محدوده‌های تحت نظارت نیروی انتظامی با مشارکت ساکنان محلی
	همگام‌سازی قوانین در جهت توسعه صنعت منطقه راهبردی در جهت توسعه صنعتی
	معرفی کسب‌وکارهای وابسته به صنعت به صورت مستمر از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری بومی (صداسیمای مرکز کردستان) و ترویج و توسعه فرهنگ کارآفرینی به وسیله آموزش‌های عمومی و غیررسمی
	تشویق سرمایه‌گذاران بومی و محلی به سرمایه‌گذاری از طریق تسهیل در صدور مجوزها و... فعالیت‌های صنعتی
	هدایت برنامه‌ها و بودجه‌های دولتی به سمت تأسیس صنایع وابسته به کشاورزی و دامپروری و زراعت
تأسیس شرکت‌های خدمات کشاورزی در مناطق مرزی	

<p>برنامه‌ریزی در جهت هدفمند کردن تولید محصولات دامی، زراعی و باغی با ابزار تشکلهای قانونی مانند اتحادیه‌های تولید و وضع مکانیسم‌های پویا کننده آن‌ها،</p>	<p><b>بخش کشاورزی</b></p>
<p>برنامه‌ریزی در جهت بازاریابی و تسهیل صادرات محصولات باغی، زراعی، دام و طیور به مقصد کشورهای هم‌جوار</p>	
<p>برنامه‌مند کردن تولید محصولات دامی، باغی و زراعی و تأسیس صنایع وابسته به آن باهدف افزایش ارزش افزوده نهایی به‌منظور فروش و صادرات آن‌ها</p>	
<p>برنامه‌ریزی در جهت ایجاد شوراهای کشاورزی در روستاها متشکل از افراد متخصص و مبتکر به‌منظور هدفمند نمودن جهت‌گیری فعالیت‌های کشاورزی</p>	
<p>برنامه‌ریزی در جهت افزایش واحدهای صنعتی کشتار دام باهدف بخشیدن نقش فرامحلی و منطقه‌ای به زنجیره فعالیت‌های دام و طیور در مناطق مرزی</p>	
<p>برنامه‌ریزی در جهت برانگیختن جوانان بیکار به سمت فعالیت‌های تولیدی در بخش کشاورزی، دامداری و باغداری به‌صورت صنعتی و نیمه‌صنعتی با ابزار اعطای تسهیلات اعتبار کم سود</p>	
<p>توجیه، تقویت و هماهنگ نمودن نگاه‌های اقتصادی کشاورزی در جهت ارائه خدمات و محصولات مرتبط با الگوهای مناسب کشت و اعمال چنین اقدامی در حوزه‌های دام‌پروری و باغداری</p>	
<p>جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و سرمایه‌های بومی موجود در محدوده مرزی در فعالیت‌های مربوط به دامداری، کشاورزی و باغداری از طریق ایجاد مشوق‌های بایسته در جهت سرمایه‌گذاری در صنایع وابسته به کشاورزی، دامداری و باغداری در مناطق مرزی</p>	
<p>باز ساماندهی رویه‌های حمایت‌های دولتی از دامداران، کشاورزان و باغداران در مناطق مرزی و ترویج دامداری، باغداری و کشاورزی مکانیزه در میان ساکنان مناطق مرزی</p>	
<p>گسترش کیفی محدوده‌ی ارائه‌ی خدمات دولتی به کشاورزان، دامداران و باغداران مناطق مرزی و تقویت ارتباطات دوسویه میان آنان در راستای آگاه‌سازی و مؤثر بودن خدمات به جامعه هدف</p>	
<p>واگذاری اراضی تحت نظارت نیروی انتظامی به کشاورزی و فعالیت در آن به‌صورت مشارکتی</p>	
<p>ایجاد مراکز رسمی فروش و عرضه‌ی محصولات دامی، کشاورزی و باغی تحت نظارت مراجع ذیصلاح به‌منظور جلوگیری از نفوذ دلالان در بازار محصولات</p>	
<p>ارائه‌ الگوهای کشت متناسب با توان کشاورزان، نیازهای محلی، ملی و منطقه‌ای، منطقی نمودن نرخ تمام‌شده‌ی فرآورده‌های زراعی، دامی و باغی و متناسب کردن نهاده‌های زیر بخش آن‌ها</p>	
<p>اعطای تسهیلات متناسب با جایگاه اعتقادی و فرهنگی ساکنان منطقه باهدف توسعه‌ی زیرساخت‌های ضروری نگهداری دام و طیور</p>	
<p>صدور مجوزهای فعالیت‌های کشاورزی مولد صنعتی با هماهنگی نیروی انتظامی</p>	
<p>برگرفتن ملاحظات امنیتی- نظامی از منطقه‌ی موردبحث و یا کاهش تأثیرگذاری این ملاحظات در مرحله‌ی نخست و بازآفرینی فضای اقتصادی مرز بر اساس توانمندی‌های آن مشابه با سایر مناطق غیر مرزی</p>	
<p>واگذاری زیرساخت‌های غیرقابل استفاده نیروی انتظامی به فعالیت‌های جانبی کشاورزی مانند احداث صنایع تبدیلی کشاورزی و جذب جوانان کولبر برای فعالیت در آن زیر نظر نیروی انتظامی</p>	
<p>برنامه‌ریزی در جهت مکان‌یابی مکان‌های گردشگر پذیر و معرفی آن به‌صورت عمومی به‌منظور توجه به پوشش تمام سلايق گردشگری،</p>	
<p>برنامه‌ریزی در جهت توسعه مکانیسم‌های جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوص در حوزه گردشگری مناطق مرزی</p>	
<p>درگیر نمودن تمامی ساکنان سکونت‌گاه ای مناطق مرزی در رابطه با توسعه گردشگری با ابزار مشوق‌های اقتصادی از قبیل دریافت خدمات و...</p>	

<p>نهادینه‌سازی فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست از طریق حمایت از نهادهای مدنی مردمی و واگذاری امکانات لازم جهت تحقق وضعیت مطلوب</p>	<p><b>گردشگری</b></p>
<p>تشدید مراقبت‌های امنیتی در پهنه‌های جنگلی از طریق سازمان منابع طبیعی به‌منظور حفظ مراتع و منابع طبیعی جنگلی به‌عنوان گزینه‌ای که جذب گردشگر را مهیا می‌نماید</p>	
<p>گسترش و توسعه کمی و کیفی اقامت‌گاه‌های شهری و روستایی از طریق جذب سرمایه‌های بخش خصوصی</p>	
<p>اختصاص بخشی از زیرساخت‌های بلااستفاده نیروی انتظامی به فعالیت‌های گردشگری با مدیریت محلی و مشارکت مردمی و نیروی انتظامی</p>	
<p>برنامه‌ریزی در جهت رویه‌های هماهنگ‌کننده میان دستگاه‌های اجرایی، نهادهای ناظر، سازمان‌های مردم نهاد و ذینفعان توسعه گردشگری</p>	
<p>متناسب‌سازی فضاهای شهری و روستایی فراتر از نیازهای عمومی ساکنان مناطق مرزی به‌منظور توسعه ظرفیت آن برای تأمین نیازهای گردشگران</p>	
<p>حمایت دولت از جذب سرمایه‌های بخش خصوصی به‌منظور توسعه گردشگری و با هدف ایجاد اشتغال در مناطق مرزی جامعه هدف</p>	
<p>تخصیص اعتبارات ملی به‌منظور تقویت پتانسیل‌های گردشگری موجود در مناطق مرزی و حذف نگاه امنیتی در ساختار برنامه‌ریزی کلان</p>	

## منابع

## منابع فارسی

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: کلمه
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷). توسعه پایدار روستایی، تهران: انتشارات مطالعات
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ نخست.
- ازکیا، مصطفی و رحیمی، سهیلا (۱۳۹۶). نقش بازارچه‌های مرزی در روند توسعه اقتصادی- اجتماعی (نمونه موردی بازارچه مرزی مریوان)، مندرج در: مجموعه مقالات همایش ملی جامعه‌شناسی مرز: سیاست‌های توسعه و حیات اجتماعی مرزنشینان، اردیبهشت ۱۳۹۶، سندج.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات کیهان.
- آزمنده، حمید. نقش نهادهای سیاسی و حقوقی در توسعه اقتصادی، روند اقتصادی، ۱۳۸۶؛ ۵۰-۵۱، ۱۶۵-۱۱۹.
- افراخته، حسن (۱۳۹۱). مرز، سرمایه اجتماعی، توسعه و امنیت نواحی مرزی، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، ۳۰-۳۱ فروردین، ۱۳۹۱ دانشگاه سیستان و بلوچستان، صص ۱۵-۱.
- خالقی، موسی (۱۳۹۱). شهرهای مرزی و مسائل امنیتی و انتظامی، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- رحمانی‌فضلی، عبدالرضا و سعیدی، عباس. پیوستگی توسعه و امنیت مناطق مرزی؛ جستاری در مفهوم‌شناسی، انجمن جغرافیای ایران، ۱۳۹۴؛ ۱۳ (۴۷)، ۳۳-۷.
- زرقانی، سیدهادی ((۱۳۹۱)، تحلیلی سیاسی فضایی بازارچه‌های مرزی در اقتصاد ایران (نمونه موردی: بازارچه مرزی باشماق مریوان). فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره شانزدهم، شماره یک، صص ۲۳-۲.
- ضرابی، اصغر و احمد شاهیوندی (۱۳۸۹). تحلیلی بر پراکندگی شاخص‌های توسعه اقتصادی در استان‌های ایران، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۳۲-۱۷.
- ضرابی، اصغر؛ ایزدی، ملیحه. تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای استان‌های کشور، برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا) ۱۳۹۲؛ ۳ (۱) پیاپی ۸، ۱۰۱-۱۱۶.
- ضوابط ملی آمایش سرزمین (۱۳۸۳). سازمان برنامه‌ریزی و بودجه کشور.
- طحاری مهرجردی محمدحسین، بابایی میبدی حمید، مروتی شریف آبادی علی. رتبه بندی استان‌های کشور جمهوری اسلامی ایران از لحاظ دسترسی به شاخص‌های بخش بهداشت و درمان. مدیریت اطلاعات سلامت ۱۳۹۱؛ ۹ (۳) ۳۵۶-۳۶۹.
- طحاری مهرجردی، محمد حسین و همکاران (۱۳۹۰). رتبه‌بندی استان‌های کشور جمهوری اسلامی ایران از لحاظ دسترسی به شاخص‌های بخش بهداشت و درمان، نشریه مدیریت اطلاعات سلامت، دوره ۹، شماره ۳، صص ۳۶۹-۳۵۶.
- عنبری، موسی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ، تهران: سمت.
- عنبری، موسی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ، تهران: نشر سمت.
- عدلیب، علیرضا (۱۳۸۰). نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.



- عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف، (۱۳۸۸)، توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، فصلنامه باغ نظر، شماره ۱۲، سال ششم، صفحه ۵۷-۷۶.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نی.
- کریم‌زاده، حسین و قادرمرزی، حامد و سجادی، سعید (۱۳۹۷) ارزیابی تأثیرات اجتماعی\_اقتصادی بازارچه مرزی شوشمی بر توسعه روستایی پیرامون، فصلنامه علوم و فنون مرزی، سال نهم، شماره ۲، صص ۷۸\_۵۵.
- گل‌وردی، عیسی (۱۳۹۰) محدودیت‌ها و فرصت‌های توسعه اجتماعی- فرهنگی نواحی مرزی، فصلنامه رفاه و سیاستگذاری، سال دوم، شماره سوم.
- متوسلی، محمود و زبیری، هدی. انسجام اجتماعی؛ منشاء توسعه اقتصادی، توسعه روستایی، ۱۳۹۲؛ ۵ (۲)، ۷۴-۴۹
- مجتهد زاده، پیروز، (۱۳۹۴)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی ضد روش، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- مهدی پور، آسیه (۱۳۹۷) موقعیت مرزی و توسعه‌نیافتگی، مندرج در: مجموعه مقالات همایش ملی جامعه‌شناسی مرز: سیاست‌های توسعه و حیات اجتماعی مرزنشینان، اردیبهشت ۱۳۹۷، سندج
- موثقی، سید احمد و کاهه، علیرضا، دولت توسعه‌خواه و زمینه‌های توسعه در ایران، فصلنامه سیاست، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۴؛ ۴۵ (۴)، ۹۸۹-۹۶۷
- موسوی، سید رحیم (۱۳۹۵)، تحلیل عوامل مرتبط با توسعه مشارکتی از منظر ظرفیت‌های محلی توسعه در استان ایلام، رساله دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان.
- موسوی، میرنجنف؛ حسینی، حسن؛ احمدی، مظهر؛ عبودی، ادریس. ارزیابی عوامل جغرافیایی مؤثر بر تمرکزگرایی صنعت در استان کردستان، اولین همایش بین‌المللی برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای رویکردها و کاربردها، ۱۳۹۶، دانشگاه کردستان و دانشگاه پلی‌تکنیک سلیمانیه.
- میر حیدر، دره (۱۳۸۰)، مبانی جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت، تهران.
- نوابخش، مهرداد و ارجمند سیاه پوش، اسحاق (۱۳۸۸)، "مبانی توسعه پایدار شهری"، چاپ اول، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
- ویسی، اکبر و حسین زاده دلیر، کریم و عزت‌پناه، بختیار (۱۳۹۳)، بررسی و تحلیل نابرابری‌های توسعه در سازمان فضایی استان‌های ایران، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال دوم، شماره ششم، صص ۶۷\_۸۲
- ویسی، فرزاد و قربانی، محمد صدیق و داستوار، عدنان (۱۳۹۶) تحلیل اثر بازارچه‌های مرزی بر معیشت پایدار پس‌کرانه‌های روستایی (مورد مطالعه: بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، پاییز ۱۳۹۶، دوره ۸، شماره ۳، صص ۵۱۹\_۵۳۵.

### منابع لاتین

- Behzad, S. & N. Ahamad (۲۰۱۲), the role of the community in communities development: promotion of self depende through education, African Journale of Business Management, ۶..(۴۹)
- Casey, D. (۱۹۹۹) community development in the third world: wolking a fine line, Development in Practice, pp: ۴۶۱-۴۶۷.

- Chandoevrit, Worawan, Yongyuth Chalamwong, Srawooth Paitoonpong, (۲۰۰۴), Thailand's Cross BORDER ECONOMY, A Case Study of Sa Kaeo and Chiang Rai; Thailand Development Resource Institute (TDRI).
- Cowen, M. P; Shenton, W. (۱۹۹۶), *Doctrines of Development*, Routledge. Shaw JW, Johnson JA, Coons SJ. US valuation of the EQ- 5D health states: Development and testing of the D valuation model. *Med Care*. ۲۰۰۵; ۴۳ (۳):۲۰۳-۲۰.
- Eversole, R. (۲۰۱۴), *knowledge partnering for community development*, Vol. ۵, Routledge.
- Mohammad, M & Silong, A. D. (۲۰۱۰), "leadership roles in community development in Malasia", *Journal of Global Business Management*, ۶ (۲), ۱.
- Nel, E & Rogerson, CM, ۲۰۱۶. The contested trajectory of applied local economic development in South Africa. *Local Economy* ۳۱, ۱۰۹-۲۳.
- Sikder, M. J. and Sarkar, B. K, (۲۰۰۵), *Livelihoods and Informal Trade at the Bangladesh Border*, *Inter-Asia Cultural Studies*, No ۶(۳): ۴۳۲-۴۴۵.
- Vargas, C. M. (۲۰۰۰), *community development and micro – enterprises: fostering sustainable development*, *Sustainable Development*, ۸(۱), pp: ۱۱-۲۶.
- Walker, D. L. (۱۹۸۲), *community development specialist*, *music educator's journal*, ۶۹(۲), ۶۹.
- Zal, W. Omar, M. Saleh, H. & S. A. Halim (۲۰۱۴) *the vulnerability of community capitals as a threat to Orang Kuala community development in Malaysia*, *Sage Open*, ۴(۲).